



OPEN ACCESS



فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی



تأثیر عوامل اجتماعی بر حقوق شهروندی (مطالعه موردی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران)

احمد حاجی صفرعلی^۱، ابوالقاسم حیدرآبادی^۲، علی رحمانی فیروزجاه^۳

۵۶

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۵۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴-۰۷-۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۱۲-۰۳

صص: ۱۱-۱۴۲

شابا جایی: ۲۳۲۲-۲۵۷۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی در شهر تهران انجام شده است. اهمیت این موضوع در پیوند میان متغیرهای اجتماعی (سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، نگرش به جهانی شدن، جهت‌گیری دینی و حضور در عرصه عمومی) با ارتقای آگاهی حقوقی شهروندان نهفته است؛ امری که هم از منظر نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری و کنش ارتباطی و هم بر اساس مبانی حقوق اساسی و منشور حقوق شهروندی در ایران قابل توجیه است. روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کمی و پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن مناطق ۲۲ گانه تهران بوده که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته با ۸۰ گویه بوده که روایی آن از طریق تحلیل عاملی تأییدی و نظر خبرگان و پیلایی آن با آلفای کرونباخ (۰/۸۷) تأیید شد. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد سرمایه اجتماعی ($\beta=0.42$)، هویت اجتماعی ($\beta=0.31$)، جهت‌گیری دینی ($\beta=0.28$) و نگرش به جهانی شدن ($\beta=0.22$) اثر مثبت و معناداری بر آگاهی از حقوق شهروندی دارند، در حالی که حضور در عرصه عمومی اثر معنادار کمتری نشان داد. این نتایج نشان می‌دهد که ارتقای سرمایه اجتماعی و تقویت هویت اجتماعی شهروندان نقش مهمی در افزایش آگاهی آنان از حقوق شهروندی دارد. نوآوری این تحقیق در تلفیق رویکردهای جامعه‌شناختی و حقوقی و ارائه یک مدل بومی برای تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در کلان‌شهر تهران است. از نظر کاربردی، یافته‌ها می‌تواند راهنمایی برای شهرداری تهران و سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگی در طراحی سیاست‌های ارتقای حقوق شهروندی، ایجاد بسترهای مشارکت اجتماعی و آموزش‌های عمومی باشد.

واژگان کلیدی:

آگاهی از حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، جهانی‌شدن، جهت‌گیری دینی، عرصه

عمومی

۱: گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۲: گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسول)

۳: گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

مقدمه

حقوق شهروندی یکی از ارکان اساسی نظام‌های اجتماعی مدرن است که بر مجموعه‌ای از حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های افراد در قبال دولت و سایر شهروندان دلالت دارد. در جوامع معاصر، میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی و دموکراتیک مطرح بوده و می‌تواند بر میزان مشارکت مدنی، حس عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی آنان تأثیر بگذارد. با این حال، در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی به صورت یکنواخت توزیع نشده و تحت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارد. بررسی این مسئله در کلان‌شهری مانند تهران که با تفاوت‌های گسترده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق مختلف مواجه است، ضروری به نظر می‌رسد. مطالعات پیشین عسکری‌زاده (۱۴۰۲)، قرشی و همکاران (۱۴۰۲)، لاریجانی (۱۳۹۷)، ربانی و همکاران (۱۳۸۵)، شیانی و فاطمی‌نیا (۱۳۸۸)، شیانی و داوند (۱۳۸۹)، رفیعی و دیگران (۱۳۸۷) نشان داده‌اند که عواملی همچون سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، مشارکت مدنی، نگرش به جهانی شدن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی از جمله متغیرهای مؤثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی هستند. به طور خاص، شهروندانی که در محیط‌های دارای سرمایه اجتماعی بالا زندگی می‌کنند، مشارکت مدنی بیشتری دارند و از منابع اطلاعاتی متنوع‌تری برخوردارند، سطح آگاهی بیشتری نسبت به حقوق خود دارند. از سوی دیگر، تفاوت‌های منطقه‌ای و طبقاتی در تهران باعث شده است که آگاهی از حقوق شهروندی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی یکسان نباشد. این شکاف اطلاعاتی می‌تواند منجر به نابرابری در برخورداری از حقوق، کاهش مشارکت اجتماعی و ضعف در شکل‌گیری جامعه مدنی فعال گردد. آگاهی از حقوق شهروندی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه اجتماعی، نقش مهمی در افزایش مشارکت مدنی، تحکیم عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت حکمرانی دارد. در جوامع مدرن، آگاهی از حقوق شهروندی به شهروندان این امکان را می‌دهد که نسبت به حقوق و تکالیف خود شناخت دقیق‌تری داشته و از آن‌ها در برابر نهادهای حکومتی و اجتماعی دفاع کنند (مارشال، ۱۹۵۰؛ ترنر، ۱۹۹۳). با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود در جوامع مختلف، از جمله ایران، یکسان نیست و تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارد (وثوقی، ۱۳۹۸؛ محسنی، ۱۴۰۰). حقوق شهروندی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ارکان حکمرانی مطلوب و توسعه پایدار در عصر حاضر شناخته می‌شود. این مفهوم نه تنها در متون حقوقی و قوانین اساسی کشورها جایگاه ویژه‌ای دارد، بلکه در ادبیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه و پیشرفت مورد تأکید قرار گرفته است. در ایران نیز قانون اساسی، به ویژه اصولی چون اصل ۱۹، ۲۰، ۲۲ و ۵۶، به صراحت بر حقوق ملت و آزادی‌های مشروع آنان تأکید کرده و اسناد تکمیلی همچون منشور حقوق شهروندی دولت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵) کوشیده است چارچوبی مشخص برای تضمین این حقوق فراهم سازد. با این حال، بررسی‌های تجربی و شواهد عینی نشان می‌دهد که سطح آگاهی و مطالبه‌گری شهروندان نسبت به این حقوق در سطحی پایین‌تر از حد انتظار قرار دارد. این شکاف میان آنچه در متون قانونی آمده و آنچه در عمل تحقق یافته، مسئله‌ای بنیادین است که نیازمند واکاوی و پژوهش‌های علمی گسترده می‌باشد.

حقوق شهروندی دارای بنیان های فرهنگی است و مجموعه ای از ارزش های اجتماعی مانند مساوات طلب، آزادی، فردگرایی، مردم سالاری و مسئولیت پذیری مدنی و نظام های معنایی ایدئولوژیک معین، مانند لیبرالیسم آن را حمایت می کند (فالکس؛ ۱۳۹۰). شهروندی دربردارنده حقوق و مسئولیت های زندگی اجتماعی است. ایده ای که هم اعتبار فرد را به رسمیت می شناسد و هم بر شرایط اجتماعی که فرد در آن رفتار می کند، باز می گردد شهروندی سطح برقراری ارتباط با نهادهای جامعه و توانایی تحلیل مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همراه با مراقبت از محیط زندگی خود می باشد. شناخت حقوق شهروندی و آگاهی از ابعاد آن اهمیت زیادی دارد. لذا مطالعه و بررسی حقوق شهروندی و آگاهی از کم و کیف و ابعاد حقوق شهروندی در شهر تهران از چند نظر دارای اهمیت است: اولاً مشخص می کنند که شناخت ما را از میزان و ابعاد حقوق شهروندی در شهر تهران مشخص و معین می کند و بیان می کند وضعیت حقوق شهروندی چگونه است و چه عواملی بر حقوق شهروندی آن ها اثرگذار است. دوم این که حقوق شهروندی به عنوان یکی از مهمترین مولفه های حقوق و فردی و معرف های نابرابری های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی سهم بسزایی در احساس عدالت اجتماعی و در نهایت توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی دارد (نوروزی و گل پرور: ۱۳۹۰: ۱۶۷). بنابراین لازم است تا این تحقیق علمی صورت پذیرد. سوم این که شهروندی در ایران پدیده ای نو و در حال تحقیق است و تحقق کامل آن نیازمند پیش شرط ها و الزامات خاص است که یکی از آنها آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی است. لازم است که افراد جامعه آگاهانه و فعالانه در متن جامعه حضور داشته و از حقوق خود دفاع نمایند. این حضور آگاهانه و فعال بستگی به تلقی و برداشت شهروندان از حقوق خود دارد. شهروندان هر کدام، بسته به وضعیت اقتصادی-اجتماعی و نوع برداشت شان از این حقوق و بر اساس منطق سود و زیان و نیز میزان ذخیره سرمایه اجتماعی شان، شیوه هایی را برای درگیر شدن در فعالیت های مدنی و حضور در جامعه در پیش می گیرند (وکیل ها، ۱۳۹۶: ۱۱). این حضور در فعالیت های اجتماعی و مدنی و گسترش درگیری ها و اشتغالات مدنی شهروندان در یک رابطه دو سویه با آگاهی از حقوق شهروندی قرار دارد. آگاهی از حقوق شهروندی به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه انسانی و اجتماعی در هر جامعه ای محسوب می شود. این آگاهی می تواند باعث تقویت حس مسئولیت پذیری در شهروندان شده و آن ها را به مشارکت فعال تری در فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تشویق کند. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عواملی که بر آگاهی از حقوق شهروندی تأثیرگذار هستند، به تحلیل این عوامل می پردازد. این تحقیق در حقیقت در پی آن است که نشان دهد چگونه ویژگی های فردی مانند جنسیت، تحصیلات، منطقه سکونت و طبقه اجتماعی می توانند در سطح آگاهی از حقوق شهروندی تأثیرگذار باشند و در نتیجه، فضاهای اجتماعی و سیاسی جامعه شهری تهران به چه میزان می تواند از این تأثیرات بهره مند شود. مناطق ۲۲ گانه تهران، به عنوان یک نمونه عینی و پراکنده از شرایط مختلف اجتماعی و اقتصادی، به خوبی می توانند به عنوان یک بستر مناسب برای بررسی تفاوت های اجتماعی و فرهنگی میان شهروندان از دیدگاه آگاهی از حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گیرند. این تفاوت ها می توانند نشان دهنده خلأهای آموزشی یا اجتماعی موجود در سطوح مختلف جامعه باشند و در نتیجه می توانند به سیاست گذاران و مقامات مسئول اطلاعات ارزشمندی برای برنامه ریزی های آتی ارائه دهند (نوروزی و گل پرور: ۱۳۹۰: ۱۶۷).

چارچوب نظری تحقیق

شهروندی در تحول تاریخی خود راه پر فراز و فرودی پیموده است و می‌بایست باید به نوع ساختار مفهومی که برای تعریف و تبیین شهروندی در این گستره عرضه شده توجه نمود. (شیانی، ۱۳۸۴) همان‌طور که به اجمال در مرور تاریخی و نظری شهروندی آمد، تقریباً تمام گفتمان‌ها، نظریه‌ها و تحقیقات، برخی از خصایص موضوع مورد مطالعه را توضیح می‌دهند. به عبارت دیگر، هر یک از نظریه‌ها بر مفروضات خاصی استوار بوده و عوامل متعددی را بر وضعیت شهروندی مؤثر دانسته‌اند. گفتمان‌های حقوق شهروندی از سال ۱۹۴۵ با تحلیل‌های جامعه‌شناختی مارشال دچار تغییر شد. طرح نظری مارشال پاسخی به چالش میان سرمایه‌داری و دموکراسی در دل دولت رفاه است که مسئله مهم آن برقراری مصالحه و پیوند میان مولفه‌های کلیدی نظام سرمایه‌داری یعنی طبقه اجتماعی و بازار و نظام سیاسی دموکراسی "مشارکت‌همگانی" و برابری حقوقی در جامعه مدرن است. به طور خلاصه، حل چالش‌های وجود طبقات اجتماعی و تفاوت‌های طبقاتی از سویی و ضرورت تقویت تعهدات اجتماعی سیاسی همه اعضای جامعه به نظام اجتماعی از سوی دیگر در طرح شهروندی مارشال بحث شده است. از دید مارشال، شهروندی موقعیتی است که در یک جامعه به افراد داده می‌شود و همه افراد را در جامعه از نظر میزان دسترسی به حقوق با هم برابر می‌کند. مارشال سه اصل حقوق شهروندی را بیان می‌کند: حقوق سیاسی، حقوق مدنی، حقوق اجتماعی. وی این سه عنصر خصوصاً حقوق اجتماعی و شهروندی رفاه اجتماعی را متعهدین عناصر در ایجاد برابری در نظام بازار سرمایه‌داری و حکومت‌های دموکراسی می‌داند (توسلی، نجاتی حسینی، ۱۳۸۴).

یکی دیگر از عناصر حقوق شهروندی که در چند سال اخیر مورد مناقشه زیاد بوده است و همچنین به آن اشارات فراوانی شده است، حقوق فرهنگی می‌باشد. ترنر علاوه بر حقوق اقتصادی، سیاسی و دیگر انواع حقوق به حقوق فرهنگی اشارات زیادی کرده است. ترنر بر این عقیده است که شهروندی علاوه بر این، فرصت حقوقی فراهم می‌کند. زیرا یک نوع هویت فرهنگی خاص را برای فرد و گروه ایجاد می‌کند. این مفهوم در مورد سیاست هویت می‌باشد، یعنی هر فردی در جامعه با توجه به اقلیت‌های فرهنگی و گروهی در جامعه حق دارد با دسترسی به منابع اقتصادی و سیاسی در جامعه مدنی بر اساس حکومت دموکراسی زندگی کند. (کوزر، ۱۳۸۹: ۱۰۸) در بین صاحب‌نظران دوره جدید ویل کیملیکا یکی از افرادی می‌باشد که با وسعت نظری به این نوع حقوق می‌پردازد ویل کیملیکا نظر خود را شهروند چند فرهنگی می‌نامید. حقوق فرهنگی حقوقی می‌باشد که در یک دولت چند فرهنگی هم‌شان حقوق همگانی است که به افراد صرف نظر از عضویت‌شان در گروهی خاص اعطا می‌شود و هم حقوق ویژه متمایز گروهی یا موقعیت ویژه برای فرهنگ‌های اقلیت با توجه به اهمیت بستر فرهنگ ملی برای شهروندی کیملیکا این موضوع را ضروری می‌داند که جامعه سیاسی باید از تمامی حقوق‌های فرهنگی که برای اعضایش مهم هستند حمایت کند. در واقع دیدگاه کیملیکا ترکیبی از نگرش مدرن و پست مدرن به شهروندی می‌باشد که ناظر به ضرورت اعطای شهروندی به تمامی گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های فرهنگی می‌باشد. (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۴). تحقیق حاضر در جستجوی بررسی روابط میان عوامل اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی است. فرضیه‌های

مطرح شده در این پژوهش، به‌ویژه آن‌هایی که به تأثیرات هویت اجتماعی، نگرش به جهانی شدن، سرمایه اجتماعی، جهت‌گیری دینی، حضور در عرصه عمومی، و ویژگی‌های فردی بر آگاهی از حقوق شهروندی اشاره دارند، نیازمند تجزیه و تحلیل دقیق از دیدگاه‌های مختلف نظری و مفاهیم اجتماعی هستند. این چارچوب نظری به‌طور جامع به بررسی این ابعاد پرداخته و به تبیین ارتباطات پیچیده بین آنها خواهد پرداخت.

هویت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی: هویت اجتماعی یکی از مفاهیم بنیادی در علوم اجتماعی است که به‌ویژه در چارچوب نظریات ساختارگرایانه و تعامل‌گرایانه اهمیت دارد. از دیدگاه «اریک اریکسون» و «تالکوت پارسونز»، هویت اجتماعی نه تنها به‌عنوان یک عنصر فردی بلکه به‌عنوان محصولی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که در تعامل با محیط اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. اریکسون در چارچوب نظری خود تأکید دارد که افراد از طریق تعاملات اجتماعی خود، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورها را که برای هویت اجتماعی‌شان حیاتی است، دریافت می‌کنند. در این راستا، هویت اجتماعی تأثیر زیادی بر آگاهی افراد از حقوق خود در جامعه دارد، زیرا فرد با شناخت جایگاه اجتماعی خود، به‌طور طبیعی در پی شناخت حقوق و تکالیف شهروندی‌اش برمی‌آید. آگاهی از حقوق شهروندی می‌تواند به‌عنوان آگاهی فرد از نقش‌های مختلف خود در جامعه و مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد، تعریف شود. تحقیقات نشان داده‌اند که هرچه هویت اجتماعی فردی قوی‌تر باشد، فرد تمایل بیشتری به آگاهی از حقوق خود و مشارکت فعال در جامعه خواهد داشت. به‌طور خاص، از نظر «آنتونی گیدنز» و «یورگن هابرماس»، آگاهی از حقوق شهروندی تنها در پیوند با هویت اجتماعی فعال و پویا به وجود می‌آید (توسلی رکن آبادی؛ نوری، ۱۳۹۴).

نگرش به جهانی شدن و آگاهی از حقوق شهروندی: جهانی شدن به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌طور فزاینده‌ای بر شکل‌گیری هویت‌های فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. طبق نظریه «مانوئل کستلز»، جهانی شدن به‌ویژه در دوران معاصر منجر به تغییرات عمده‌ای در شیوه‌های زندگی و تعاملات اجتماعی افراد می‌شود. نگرش به جهانی شدن در جوامع مختلف می‌تواند بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی اثرگذار باشد، زیرا با باز شدن مرزهای اجتماعی و فرهنگی، افراد ممکن است به‌طور فزاینده‌ای به حقوق جهانی خود توجه داشته باشند. این فرایند همچنین به‌ویژه از دیدگاه «یورگن هابرماس» در نظریه‌اش درباره «فضای عمومی» قابل تبیین است. هابرماس بر این باور است که در جوامع مدرن، جهانی شدن فضای عمومی را گسترش داده و موجب شده است که افراد نه تنها به حقوق خود در سطح ملی بلکه به حقوق شهروندی در سطح جهانی نیز حساس شوند. این امر تأثیرات عمیقی بر آگاهی و مشارکت افراد در عرصه‌های مختلف اجتماعی خواهد داشت.

سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی: سرمایه اجتماعی یکی از عوامل تعیین‌کننده در مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد است. نظریه‌های «پی‌ره بوردیو» و «رابرت پاتنام» در خصوص سرمایه اجتماعی تأکید دارند که این نوع از سرمایه به‌طور مستقیم بر آگاهی افراد از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی تأثیر می‌گذارد. پاتنام در آثار خود بر اهمیت روابط اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی تأکید دارد و معتقد است که جوامع با سرمایه اجتماعی بالا، افراد را به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ترغیب می‌کنند. آگاهی از حقوق شهروندی در این زمینه به‌طور فزاینده‌ای از طریق مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و

نهادهای مدنی انتقال می‌یابد. به‌ویژه در جوامعی که سرمایه اجتماعی قوی‌تری دارند، افراد به‌طور طبیعی اطلاعات بیشتری از حقوق خود به دست می‌آورند و این امر موجب مشارکت فعال‌تر آنها در فرآیندهای دموکراتیک می‌شود.

جهت‌گیری دینی و آگاهی از حقوق شهروندی: در بسیاری از جوامع، جهت‌گیری دینی نقش مهمی در شکل‌دهی به ارزش‌ها و باورهای اجتماعی افراد ایفا می‌کند. تأثیر دین بر آگاهی از حقوق شهروندی به‌ویژه در جوامعی که دین به‌عنوان یک عامل اجتماعی و سیاسی مهم شناخته می‌شود، پررنگ است. طبق نظریات «ماکس وبر»، پیوند میان دین و سیاست موجب شکل‌گیری سیستم‌های حقوقی خاصی می‌شود که بر اساس اصول دینی تنظیم شده‌اند. در این زمینه، تأثیر جهت‌گیری دینی بر آگاهی از حقوق شهروندی به‌ویژه در کشورهای با اکثریت مسلمان یا مذهبی بارزتر است. به‌طور خاص، در اسلام، حقوق شهروندی از منظر شریعت و فقه اسلامی به‌طور وسیعی در متون دینی بیان شده است. بر این اساس، جهت‌گیری دینی می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در افزایش آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در نظر گرفته شود. همچنین، «آنتونی گیدنز» بر این باور است که دین به‌عنوان یک عامل فرهنگی و اجتماعی می‌تواند بر نگرش‌های فردی و اجتماعی نسبت به حقوق و آزادی‌های فردی تأثیرگذار باشد.

حضور در عرصه عمومی و آگاهی از حقوق شهروندی: حضور فعال در عرصه عمومی به‌ویژه از طریق مشارکت در نهادهای مدنی، گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های غیر دولتی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آگاهی از حقوق شهروندی است. نظریه‌های «یورگن هابرماس» و «کارل مارکس» بر اهمیت فضای عمومی به‌عنوان محیطی برای تبادل نظر و گفتگو میان شهروندان تأکید دارند. هابرماس معتقد است که فضای عمومی، با فراهم آوردن بستر مناسب برای بحث و گفت‌وگو، موجب افزایش آگاهی شهروندان از حقوق خود و مشارکت آنها در فرآیندهای دموکراتیک می‌شود.

ویژگی‌های فردی و آگاهی از حقوق شهروندی: ویژگی‌های فردی همچون جنسیت، تحصیلات و منطقه سکونت نیز می‌توانند بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأثیرگذار باشند. تحقیقات نشان داده‌اند که افراد با تحصیلات بالاتر معمولاً آگاهی بیشتری از حقوق خود دارند. همچنین، جنسیت نیز می‌تواند بر نگرش افراد نسبت به حقوق شهروندی تأثیر داشته باشد، به‌ویژه در جوامعی که نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد. به‌طور مشابه، منطقه سکونت می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان دسترسی افراد به منابع اطلاعاتی و آموزشی داشته باشد.

حقوق شهروندی به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های قانونی و اجتماعی گفته می‌شود که شهروندان در یک جامعه مدنی از آن برخوردار هستند و تحقق آن مستلزم تعامل مؤثر بین دولت، نهادهای اجتماعی و شهروندان است. در ادبیات حقوقی، حقوق شهروندی شامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌شود و هدف اصلی آن تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای مشارکت شهروندان و تضمین دسترسی برابر به منابع و خدمات شهری است (Kymlicka, ۲۰۰۲; Marshall, ۱۹۵۰). مطالعات نشان می‌دهند که سطح تحقق حقوق شهروندی به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار دارد. این عوامل شامل سطح تحصیلات و سواد شهروندان، وضعیت اقتصادی و رفاهی خانوارها، میزان مشارکت مدنی و اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، و نقش نهادهای مدنی و سازمان‌های غیر دولتی می‌باشند (Almond & Verba, ۱۹۶۳; Putnam, ۲۰۰۰). به‌طور

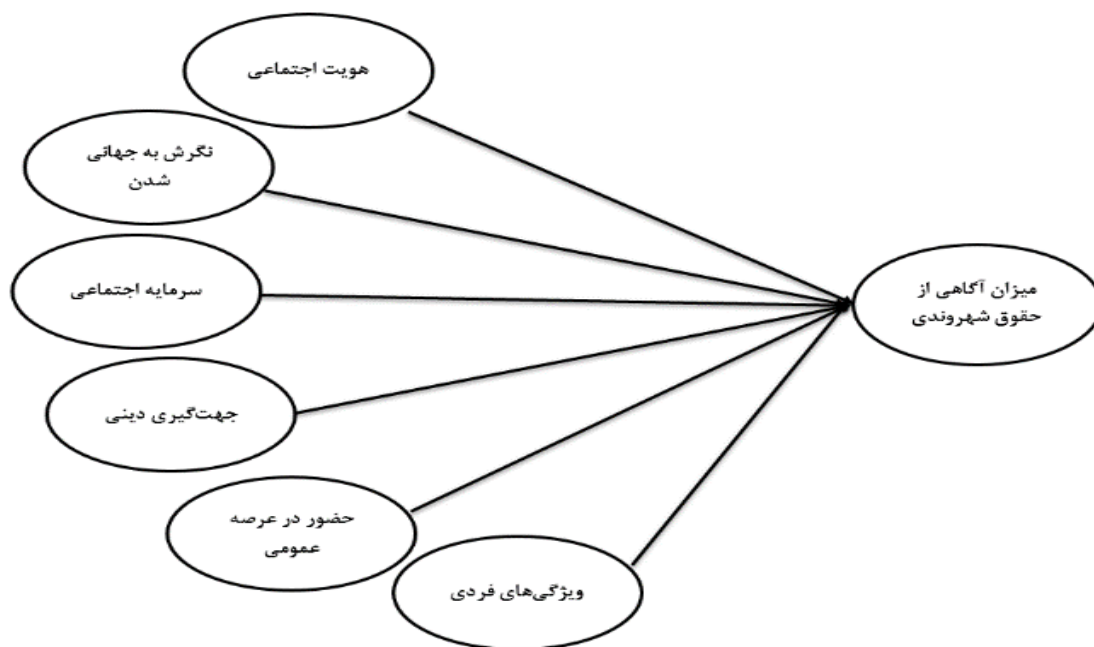
مثال، افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود و وجود شبکه‌های مشارکت اجتماعی می‌تواند سطح ادراک و مطالبه حقوق شهروندی را ارتقا دهد، در حالی که نابرابری‌های اقتصادی و کمبود تعاملات اجتماعی منجر به محدود شدن امکان بهره‌مندی برابر از حقوق می‌شود. در چارچوب این پژوهش، مدل مفهومی اثرگذاری عوامل اجتماعی بر حقوق شهروندی بر اساس چهار محور اصلی طراحی شده است:

۱. عوامل فردی و فرهنگی: شامل سطح تحصیلات، سواد، باورها و ارزش‌های اجتماعی، و نگرش شهروندان نسبت به حقوق خود. ۲. عوامل اقتصادی و رفاهی: شامل درآمد خانوار، دسترسی به خدمات عمومی، وضعیت اشتغال و امکانات رفاهی. ۳. عوامل مشارکتی و اجتماعی: شامل میزان مشارکت در نهادهای محلی، انجمن‌ها و سازمان‌های مدنی، و فعالیت‌های اجتماعی جمعی. ۴. نهادها و سیاست‌های محلی: شامل نقش سازمان‌های دولتی، شهرداری‌ها و نهادهای محلی در تبیین و تحقق حقوق شهروندی، و تأثیر سیاست‌های شهری بر رعایت حقوق شهروندان. این چارچوب نظری، ارتباط مستقیم و غیرمستقیم بین عوامل اجتماعی و تحقق حقوق شهروندی را در مناطق ۲۲ گانه تهران نشان می‌دهد. در این مدل، حقوق شهروندی به عنوان متغیر وابسته و عوامل فردی، اقتصادی، مشارکتی و نهادی به عنوان متغیرهای مستقل تعریف شده‌اند. همچنین، تفاوت‌های فرهنگی، جنسیتی و منطقه‌ای می‌توانند نقش متغیرهای تعدیلگر را ایفا کنند و شدت یا ضعف اثرگذاری عوامل اجتماعی بر حقوق شهروندی را تغییر دهند. این چارچوب نظری، نه تنها زمینه‌ساز تبیین علمی و دقیق فرضیات پژوهش است، بلکه مبنای طراحی ابزار تحقیق و تحلیل داده‌ها در فصل دوم و سوم رساله نیز می‌باشد. با استفاده از این چارچوب، پژوهش قادر خواهد بود نقش هر یک از عوامل اجتماعی در ارتقای حقوق شهروندی شهروندان تهرانی را به صورت ملموس و کمی-کیفی تحلیل کند و پیشنهاد کاربردی برای بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های شهری ارائه دهد.

هم‌گرایی بین متغیرهای مورد بررسی را می‌توان در یک پژوهش در یک مدل نظری نمایش داد. "مدل" نظری دستگاهی است متشکل از مفاهیم، فرضیه‌ها و شاخص‌ها که کار انتخاب و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای آزمون فرضیه را تسهیل می‌کنند و سیستماتیک می‌باشد. به عبارت دیگر، مدل نظری از مفاهیم و فرضیه‌هایی تشکیل شده است که با هم ارتباط تنگاتنگی دارند و مجموعاً چارچوب تحلیلی منسجمی را تشکیل می‌دهند. مدل به عنوان شکلی ساده و تجریدی از یک شیء، ما را به جای رو به رو شدن با دنیای پیچیده واقعی، با دنیایی ساده‌تر شامل اجزاء و مؤلفه‌هایی که از نظر بررسی مورد توجه ما هستند، روبرو می‌کند. مدل نظری، یک روش برای شناخت یک شیء ناشناخته است که آن را در شباهت با چیزی در نظر بگیریم. (بیکر، ۱۳۸۶: ۶۵) مفهوم حقوق شهروندی به‌طور کلی شامل مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است که برای هر فرد در جامعه لازم است تا بتواند از تمامی امکانات و فرصت‌های جامعه بهره‌مند شود. این حقوق شامل حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، جنسیتی و فرهنگی می‌شود. در این چارچوب، آگاهی از حقوق شهروندی به عنوان یک عامل اصلی در تضمین عدالت اجتماعی و تسهیل مشارکت در زندگی عمومی مطرح است. به عبارت دیگر، شهروندی در دنیای معاصر نه تنها یک مفهوم حقوقی است بلکه به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط میان فرد و جامعه نیز در نظر گرفته می‌شود. بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی، پدیده حقوق شهروندی در هر زمان و مکانی با عوامل اجتماعی خاصی ارتباط دارد که درک و آگاهی از این

حقوق را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در تحقیق حاضر، چهار متغیر اصلی مورد بررسی قرار گرفته است که شامل هویت اجتماعی، نگرش به جهانی‌شدن، سرمایه اجتماعی و جهت‌گیری دینی می‌باشد. هر یک از این متغیرها تأثیرات خاصی بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود دارند و به‌ویژه در سطح فردی و اجتماعی بر رفتارهای شهروندی اثرگذار هستند. هویت اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی در این تحقیق، می‌تواند بر میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تأثیر گذارد. هویت اجتماعی نشان‌دهنده تصویری است که فرد از خود در رابطه با گروه‌های مختلف اجتماعی دارد و این تصویری که فرد از خود می‌سازد می‌تواند در پذیرش یا عدم پذیرش حقوق شهروندی اثرگذار باشد. هویت اجتماعی می‌تواند به‌ویژه در جوامع چندفرهنگی یا جوامعی که افراد در گروه‌های مختلف اجتماعی با یکدیگر تعامل دارند، نقشی کلیدی ایفا کند. در این تحقیق، فرض بر این است که هویت اجتماعی مثبت می‌تواند به‌طور مستقیم با افزایش آگاهی از حقوق شهروندی در ارتباط باشد. به عبارتی دیگر، هرچه فرد حس تعلق بیشتری به جامعه داشته باشد، احتمالاً تمایل بیشتری به آگاهی از حقوق خود خواهد داشت. نگرش به جهانی‌شدن نیز یکی دیگر از عوامل مهم در بررسی آگاهی از حقوق شهروندی است. جهانی‌شدن به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که به‌طور فزاینده‌ای کشورها را در سطح جهانی به هم مرتبط می‌کند. این روند می‌تواند باعث افزایش آگاهی افراد از حقوق جهانی و حقوق شهروندی شود. در این تحقیق، فرض بر این است که نگرش مثبت به جهانی‌شدن و فرآیندهای جهانی‌سازی، به‌ویژه در زمینه حقوق بشر، باعث افزایش آگاهی از حقوق شهروندی می‌شود. به عبارت دیگر، فرآیند جهانی‌شدن و افزایش ارتباطات میان ملت‌ها و آشنایی با منشورهای حقوق بشر می‌تواند افراد را به سوی آگاهی بیشتر از حقوق شهروندی سوق دهد. سرمایه اجتماعی از دیگر عوامل اجتماعی است که در تبیین آگاهی از حقوق شهروندی اهمیت دارد. سرمایه اجتماعی به شبکه‌های اجتماعی، اعتماد و همکاری میان اعضای جامعه اشاره دارد. جوامعی که سرمایه اجتماعی بالاتری دارند، به‌طور معمول مشارکت بیشتری در مسائل اجتماعی و سیاسی دارند. این مشارکت می‌تواند در زمینه ارتقای آگاهی از حقوق شهروندی نقش اساسی ایفا کند. در این تحقیق، فرض بر این است که هرچه سطح سرمایه اجتماعی بالاتر باشد، افراد بیشتر از حقوق شهروندی خود آگاه خواهند بود. به‌ویژه در جوامعی که افراد از شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های گروهی بیشتری بهره‌مند هستند، احتمال آگاهی از حقوق شهروندی نیز بیشتر است. جهت‌گیری دینی یکی دیگر از متغیرهای اساسی است که می‌تواند بر آگاهی از حقوق شهروندی تأثیرگذار باشد. دین، به‌ویژه در جوامع اسلامی، به‌عنوان یک عامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرات زیادی بر رفتارهای فردی و اجتماعی دارد. این تحقیق به دنبال بررسی این نکته است که چگونه جهت‌گیری دینی افراد، که شامل باورها و ارزش‌های دینی است، می‌تواند در افزایش یا کاهش آگاهی از حقوق شهروندی نقش داشته باشد. در جوامع دینی، بسیاری از مفاهیم حقوقی و انسانی از منظر دینی نیز قابل تبیین هستند و ممکن است که جهت‌گیری دینی افراد به‌ویژه از طریق آموزه‌های دینی، به‌طور مثبت یا منفی بر آگاهی از حقوق شهروندی تأثیر بگذارد. حضور در عرصه عمومی نیز می‌تواند به‌طور مستقیمی با آگاهی از حقوق شهروندی مرتبط باشد. عرصه عمومی به فضایی اطلاق می‌شود که افراد برای مشارکت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با یکدیگر تعامل می‌کنند. مشارکت فعال در عرصه عمومی می‌تواند افراد را به‌شکل طبیعی با مسائل حقوقی و شهروندی آشنا کند و آگاهی آنان را در این زمینه افزایش دهد. در این تحقیق، فرض بر این است که حضور فعال در عرصه

عمومی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند موجب افزایش آگاهی از حقوق شهروندی گردد. در نهایت، بررسی ویژگی‌های فردی نظیر جنسیت، تحصیلات و منطقه سکونت نیز می‌تواند تفاوت‌های معناداری در میزان آگاهی از حقوق شهروندی ایجاد کند. به‌طور مثال، افراد با سطح تحصیلات بالاتر معمولاً اطلاعات بیشتری در زمینه حقوق شهروندی دارند و این اطلاعات به آنها کمک می‌کند تا در تعاملات اجتماعی و سیاسی خود آگاهی بیشتری داشته باشند. همچنین، زنان و مردان ممکن است با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در نحوه آگاهی از حقوق خود تفاوت‌هایی داشته باشند. منطقه سکونت نیز به‌طور خاص می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ زیرا در برخی مناطق، دسترسی به اطلاعات و منابع آموزشی ممکن است محدودتر باشد. در این چارچوب نظری، متغیرهای مختلف به‌طور متقابل و پیچیده بر یکدیگر اثرگذار هستند و در نهایت می‌توانند بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأثیر بگذارند. این چارچوب نظری به‌طور کامل مفروضات تحقیق را پوشش می‌دهد و می‌تواند به‌عنوان مبنای تبیین روابط میان متغیرهای مختلف و آگاهی از حقوق شهروندی در این پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش (نگارنده)

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از نوع کمی و مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود، زیرا به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران می‌پردازد و نتایج آن قابلیت استفاده در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و شهری را دارد. همچنین، این پژوهش از نظر ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی است، زیرا به بررسی روابط میان متغیرهای مختلف و میزان تأثیر آنها بر آگاهی از حقوق شهروندی می‌پردازد. به منظور تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات تحقیق، از مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) بهره گرفته شده است. این روش به دلیل مناسب بودن برای نمونه‌های کوچک و عدم نیاز به توزیع نرمال داده‌ها، برای

پژوهش‌هایی که متغیرهای پنهان و چندگانه دارند، انتخاب شده است. علاوه بر این، از آزمون‌های آماری شامل آزمون تی مستقل برای مقایسه دو گروه، آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میانگین بیش از دو گروه، آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی متغیرها، و آزمون ویلکاکسون برای مقایسه گروه‌های وابسته استفاده شده است.

در این تحقیق، به منظور بررسی برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری، شاخص‌های روایی همگرا (AVE) و روایی واگرا (HTMT)، همچنین ضرایب پایایی ترکیبی (CR) و آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری به کار گرفته شده‌اند. در بخش مدل‌سازی معادلات ساختاری، شاخص‌های نیکویی برازش شامل R^2 برای تعیین میزان تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل، Q^2 برای بررسی قدرت پیش‌بینی مدل، و GOF برای سنجش کلیت برازش مدل، محاسبه شده‌اند. همچنین، از شاخص ریشه میانگین مربعات خطای استاندارد (SRMR) برای بررسی میزان تطابق مدل نظری با داده‌های تجربی استفاده شده است. روش پژوهش این مطالعه بر اساس مدل پیاز پژوهش ساندرز تبیین می‌شود. مدل پیاز پژوهش ساندرز چارچوبی جامع برای طراحی و اجرای پژوهش‌های علمی ارائه می‌دهد که شامل شش لایه اصلی است: فلسفه پژوهش، رویکرد پژوهش، استراتژی پژوهش، انتخاب روش، افق زمانی و تکنیک‌ها و روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها. این پژوهش در چارچوب فلسفه اثبات‌گرایی قرار می‌گیرد. فلسفه اثبات‌گرایی بر مبنای استفاده از روش‌های علمی و تجربی برای بررسی پدیده‌ها استوار است و تأکید دارد که دانش از طریق مشاهده، اندازه‌گیری و تحلیل آماری به دست می‌آید. در این پژوهش، با استفاده از داده‌های کمی و آزمون‌های آماری، روابط میان متغیرهای اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی بررسی شده است.

رویکرد این پژوهش رویکرد قیاسی است. در این رویکرد، پژوهشگر ابتدا با استفاده از مطالعات نظری و پیشینه پژوهش، چارچوب مفهومی و فرضیات را تدوین می‌کند و سپس با جمع‌آوری داده‌ها و انجام آزمون‌های آماری، صحت یا عدم صحت فرضیات را بررسی می‌کند. در این پژوهش، ابتدا مدل مفهومی بر اساس نظریه‌های مرتبط با حقوق شهروندی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن تدوین شده و سپس داده‌ها برای آزمون این مدل گردآوری و تحلیل شده‌اند. این پژوهش از استراتژی پیمایشی استفاده می‌کند. در این استراتژی، داده‌ها از طریق پرسشنامه از یک نمونه نماینده از جامعه آماری جمع‌آوری می‌شوند. استراتژی پیمایشی به پژوهشگر امکان می‌دهد تا داده‌های مورد نیاز را از تعداد زیادی از افراد در مدت زمان نسبتاً کوتاه گردآوری کند و از طریق تحلیل آماری، روابط بین متغیرها را بررسی کند. انتخاب این استراتژی به دلیل ماهیت مطالعه که به دنبال بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان شهروندان تهرانی است، انجام شده است. روش پژوهش این مطالعه کمی است. پژوهش‌های کمی بر پایه جمع‌آوری داده‌های عددی و تحلیل آماری قرار دارند. در این پژوهش، از مقیاس‌های کمی برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش استفاده شده و داده‌ها از طریق روش‌های آماری مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM)، آزمون تی مستقل، تحلیل واریانس و آزمون همبستگی تحلیل شده‌اند. این پژوهش دارای افق زمانی مقطعی است. در پژوهش‌های مقطعی، داده‌ها در یک بازه زمانی مشخص از نمونه مورد مطالعه گردآوری می‌شوند. در این پژوهش، داده‌های مورد نیاز در یک دوره مشخص از شهروندان تهرانی جمع‌آوری شده‌اند و تحلیل‌های آماری بر اساس این داده‌ها انجام شده است.

داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه گردآوری شده‌اند. پرسشنامه شامل ترکیبی از پرسشنامه‌های استاندارد و محقق‌ساخته بوده که متغیرهایی مانند آگاهی از حقوق شهروندی، هویت اجتماعی، نگرش به جهانی‌شدن، سرمایه اجتماعی، حضور در عرصه عمومی و جهت‌گیری دینی را سنجیده است. روش نمونه‌گیری، تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی شامل مدل‌سازی معادلات ساختاری، آزمون تی، تحلیل واریانس و آزمون فریدمن استفاده شده است. در مجموع، این پژوهش بر اساس مدل پیاز ساندروز، از فلسفه اثبات‌گرایی، رویکرد قیاسی، استراتژی پیمایشی، روش کمی، افق زمانی مقطعی و تکنیک‌های پرسشنامه‌ای و تحلیل آماری بهره گرفته است. این چارچوب، یک مسیر دقیق و علمی برای اجرای پژوهش فراهم کرده و امکان تحلیل دقیق روابط بین متغیرهای اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی را فراهم نموده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شهروندان تهرانی بالای ۲۰ سال است که در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران سکونت دارند. تعداد جمعیت تهران بر اساس آخرین سرشماری کشور برابر با ۸۶۹۳۷۰۶ نفر می‌باشند. این جامعه به دلیل گستردگی جمعیتی، تنوع ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و تفاوت در میزان آگاهی از حقوق شهروندی انتخاب شده است. تهران به عنوان پایتخت ایران دارای ساختار جمعیتی متنوعی است که شامل گروه‌های مختلف از نظر تحصیلات، سطح درآمد، وضعیت اجتماعی و فرهنگی می‌شود و این تنوع می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌های آگاهی از حقوق شهروندی در بین اقشار مختلف جامعه کمک کند. انتخاب این جامعه آماری با هدف بررسی دقیق تأثیر عوامل اجتماعی بر آگاهی شهروندان از حقوق خود انجام شده است. از آنجا که شهر تهران به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به مناطق مختلفی تقسیم شده است، این پژوهش به دنبال آن است که تفاوت‌های منطقه‌ای در میزان آگاهی شهروندان را نیز مورد بررسی قرار دهد. مناطق ۲۲ گانه تهران تفاوت‌های قابل توجهی در سطح دسترسی به امکانات آموزشی، رفاهی و اجتماعی دارند و این تفاوت‌ها می‌توانند بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی تأثیرگذار باشند. بنابراین، انتخاب شهر تهران به عنوان جامعه آماری نه تنها امکان مطالعه بر روی جمعیتی گسترده و متنوع را فراهم کرده، بلکه امکان بررسی نقش متغیرهای مکانی و جغرافیایی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی را نیز ایجاد کرده است. نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برای پرسشنامه شهروندان به گونه‌ای که هر منطقه به عنوان یک طبقه جداگانه در نظر گرفته شود. براساس جدول کرجسی-مورگان یا فرمول نمونه‌گیری برای جامعه بزرگ، حدود ۳۸۴ نفر از شهروندان مناطق ۲۲ گانه انتخاب می‌شوند تا اطمینان حاصل شود داده‌ها نماینده جامعه آماری باشند.

یافته‌های پژوهش

برای سنجش آنها از آزمون ویلکاکسون و برای سنجش میزان آگاهی کلی از حقوق شهروندی که دارای توزیع نرمال است از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده و نتایج آنها در جدول (۱) نشان می‌دهد، که میزان آگاهی از حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و به طور کلی حقوق شهروندی در بین شهروندان تهرانی در حد نامطلوب و کمتر از حد متوسط بوده می‌باشد. ($p < 0.001$)

جدول ۱. تایید میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان تهرانی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	نوع آزمون	آماره آزمون	p مقدار	نتیجه میزان آگاهی
حقوق مدنی	۲.۷۸۱	۰.۸۴۵	ویلکاکسون	-۵.۰۳۸	<۰.۰۰۱	نامطلوب*
حقوق سیاسی	۲.۷۴۳	۰.۸۳۴	ویلکاکسون	-۵.۶۷۱	<۰.۰۰۱	نامطلوب
حقوق اجتماعی	۲.۶۹۱	۰.۹۴۹	ویلکاکسون	-۵.۹۴۳	<۰.۰۰۱	نامطلوب
حقوق شهروندی	۲.۷۳۸	۰.۸۰۱	تی تک نمونه ای	-۶.۳۹۱	<۰.۰۰۱	نامطلوب

* منظور از نامطلوب کمتر از حد متوسط می باشد.

همچنین نتایج آزمون فریدمن در جدول (۲) نشان می دهد تفاوت معنی داری بین میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی وجود ندارد و میانگین میزان آگاهی آنها از حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی در یک سطح می باشد. ($p=0.145$)

جدول ۲. نتایج مقایسه میانگین میزان آگاهی از مولفه های حقوق شهروندی در بین شهروندان تهرانی

متغیر	میانگین رتبه	آماره آزمون	p مقدار
حقوق مدنی	۲.۰۷	۳.۸۶۵	۰.۱۴۵
حقوق سیاسی	۲		
حقوق اجتماعی	۱.۹۳		

در این بخش همبستگی پیرسون (در صورت نرمال بودن دو متغیر) یا اسپیرمن (در صورت نرمال نبودن حداقل یکی از دو متغیر) بین متغیرهای هویت اجتماعی، نگرش نسبت به جهانی شدن، سرمایه اجتماعی، جهت گیری دینی و مولفه های آنها و متغیر حضور در عرصه عمومی با میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی و مولفه های آن گزارش است. همبستگی برای بررسی ارتباط بین متغیرها بکار گرفته می شود. به این صورت که کلیه متغیرها را باهم وارد نرم افزار نموده و تاثیر یا عدم تاثیر آنها را بر متغیر تابع و بر خودشان مورد سنجش قرار می گیرد. این آزمون تصویری کلی از ارتباطات متقابل متغیرها بر یگدیگر را بدست می دهد. ضریب همبستگی یکی از معیارهای مورد استفاده در تعیین همبستگی دو متغیر می باشد. ضریب همبستگی شدت رابطه و همچنین نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می دهد. این ضریب بین ۱ تا -۱ است و در صورت عدم وجود رابطه بین دو متغیر برابر صفر می باشد. ضریب همبستگی یک رابطه ی متقارن است که هرچه به عدد ۱ نزدیکتر باشد، میزان وابستگی بین دو متغیر بیشتر است؛ اما این وابستگی به معنای رابطه علت و معلولی نیست و ضریب همبستگی تعیین کننده ی اینکه کدام متغیر علت یا معلول است؛ نیست. ضرایبی که با علامت ** مشخص شده اند در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند. بنابراین با توجه به جدول (۳) می توان گفت که تمامی ضرایب همبستگی به دست آمده معنادار هستند. مشاهده می شود که مشارکت اجتماعی کمترین (۰.۳۸۸) و هویت اجتماعی (۰.۵۹۹) بیشترین همبستگی را با حقوق مدنی داشته اند. مولفه ی بیرونی جهت گیری دینی (۰.۶۳۶) و مولفه ی اعتماد اجتماعی سرمایه اجتماعی (۰.۳۶۷) نیز بیشترین و کمترین همبستگی را با حقوق سیاسی داشته اند. نگرش نسبت به جهانی شدن (۰.۶۷۰) و مولفه ی اعتماد اجتماعی سرمایه اجتماعی (۰.۴۰۶)

نیز بیشترین و کمترین همبستگی را با حقوق اجتماعی داشته اند. به صورت کلی نیز مولفه ی بیرونی جهت گیری دینی (۰.۶۸۶) و مولفه ی اعتماد اجتماعی سرمایه اجتماعی (۰.۴۳۹) نیز بیشترین و کمترین همبستگی را با حقوق سیاسی داشته اند.

جدول ۳. همبستگی متغیرهای پژوهش با میزان آگاهی از حقوق شهروندی و مولفه های آن

متغیر	حقوق مدنی	حقوق سیاسی	حقوق اجتماعی	حقوق شهروندی
هویت مذهبی	**۴۴۶.	**۴۶۸.	**۵۳۵.	**۵۲۹.
هویت خانوادگی	**۴۸۵.	**۴۸۵.	**۴۸۵.	**۵۳۱.
هویت گروهی	**۴۳۸.	**۴۹۳.	**۵۳۰.	**۵۳۷.
هویت ملی	**۴۸۸.	**۴۹۸.	**۵۰۶.	**۵۵۰.
هویت شخصی	**۴۶۶.	**۴۵۶.	**۴۹۴.	**۵۱۷.
هویت اجتماعی	**۵۵۹.	**۵۶۵.	**۵۸۴.	**۶۲۳.
نگرش اجتماعی	**۵۴۲.	**۶۲۱.	**۶۵۳.	**۶۷۴.
نگرش اقتصادی	**۴۹۲.	**۵۷۱.	**۵۸۴.	**۶۰۱.
نگرش سیاسی	**۴۵۰.	**۵۴۶.	**۵۹۳.	**۵۸۵.
نگرش فرهنگی	**۴۶۸.	**۵۳۶.	**۶۰۶.	**۶۰۰.
نگرش نسبت به جهانی شدن	**۵۲۸.	**۶۱۸.	**۶۷۰.	**۶۷۱.
حضور در عرصه عمومی	**۴۵۶.	**۵۳۷.	**۵۴۵.	**۵۷۰.
جهت گیری بیرونی	**۵۵۳.	**۶۳۶.	**۶۶۴.	**۶۸۶.
جهت گیری درونی	**۴۸۵.	**۵۵۵.	**۶۰۳.	**۶۰۶.
جهت گیری دینی	**۵۴۴.	**۶۲۱.	**۶۶۲.	**۶۷۷.
اعتماد اجتماعی	**۴۰۹.	**۳۶۷.	**۴۰۶.	**۴۳۹.
مشارکت اجتماعی	**۳۸۲.	**۴۱۹.	**۴۲۸.	**۴۴۹.
حمایت اجتماعی	**۳۸۷.	**۴۱۵.	**۴۶۷.	**۴۶۶.
انسجام اجتماعی	**۴۳۴.	**۴۵۲.	**۴۶۹.	**۴۹۵.
حجم شبکه ارتباطی	**۳۹۵.	**۴۶۰.	**۵۱۴.	**۵۰۷.
سرمایه اجتماعی	**۴۹۹.	**۵۰۷.	**۵۳۵.	**۵۶۲.

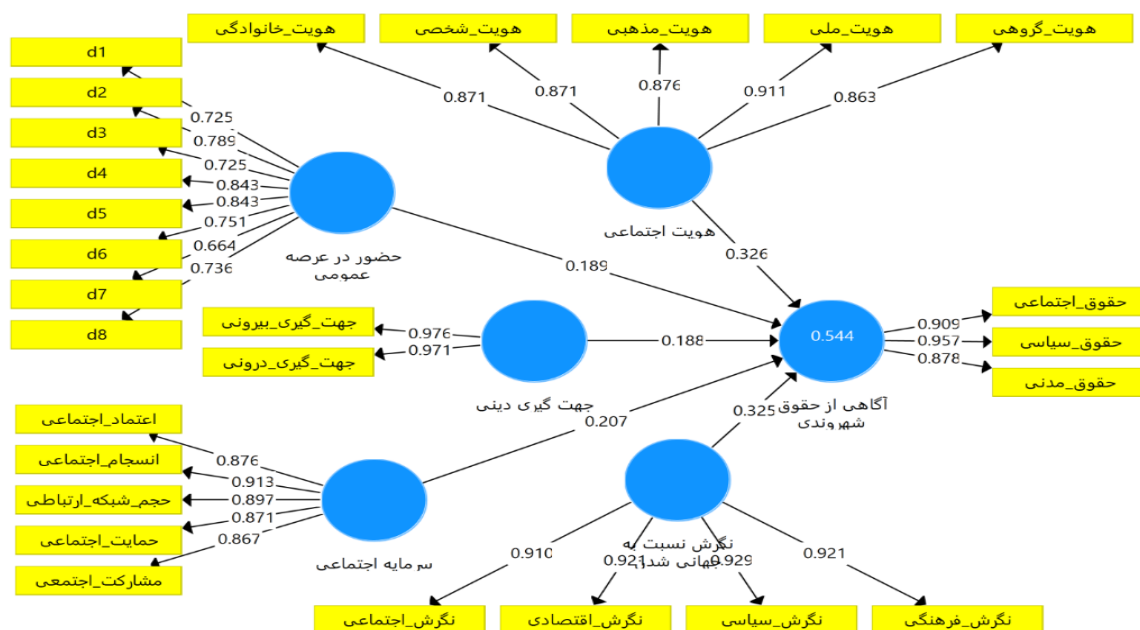
مواردی که با زیر خط نمایش داده شده اند نتایج همبستگی پیرسون و ما بقی موارد همبستگی اسپیرمن می باشد.

نتایج مربوط به رگرسیون خطی ساده عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی گزارش شده است و مشاهده می شود که آماره دوربین واتسون هر ۵ مدل برازش ششده شده در بازه ۱.۵ تا ۲.۵ بوده و بنابراین استقلال باقی مانده ها تایید می شود. همچنین مشاهده می شود آماره F مربوط به هر ۵ مدل معنی دار است. بر اساس نتایج ضریب تبیین هم نتیجه می شود ۳۸.۸ هویت اجتماعی ۳۸.۸ درصد، نگرش نسبت به جهانی شدن ۴۷.۸ درصد، حضور در عرصه عمومی ۳۲.۶، جهت گیری دینی ۴۴.۸ درصد و سرمایه اجتماعی ۳۱.۶ درصد خطاهای میزان آگاهی از حقوق شهروندی را تبیین می کند. بر اساس نتایج حاصل از برازش مدل های رگرسیون خطی ضرایب هر پنج متغیر هویت اجتماعی، نگرش نسبت به جهانی شدن، حضور در عرصه عمومی، جهت گیری دینی و سرمایه اجتماعی مثبت برآورد شده و نتیجه می شود که بین هر پنج متغیر هویت اجتماعی، نگرش نسبت به جهانی شدن، حضور در عرصه عمومی، جهت گیری دینی و سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی و حقوق شهروندی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. ($P < 0.05$)

جدول ۴. نتایج مربوط به رگرسیون خطی ساده عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

مدل	متغیر	B	خطا ی معیار	B eta	T	P	R ^۲	F	P	DW
۱	ثابت	۰.	۰.۱	۰.	۲.	۰.	۰.	۲۴۲.۴۶	۰.	۲.۰۲۱
	رگرسیون	۴۳۶	۵۱	۰.	۸۷۸	۰.۰۴	۳۸۸	۶	...	
	هویت	۰.	۰.۰	۰.	۱۵	۰.	...	...	...	
	اجتماعی	۶۷۷	۴۳	۰.۶۲	۵۷۱.	...	...	...	...	
۲	ثابت	۰.	۰.۱	۰.	۵.	۰.	۰.	۳۴۹.۵۰	۰.	۲.۰۸۷
	رگرسیون	۶۱۱	۱۸	۰.	۱۹۲	۰.۰۰	۴۷۸	۳	...	
	نگرش	۰.	۰.۰	۰.	۱۸	۰.	...	...	...	
	نسبت به جهانی شدن	۶۳۳	۳۴	۰.۶۹	۶۹۵.	...	...	...	...	
۳	ثابت	۰.	۰.۱	۰.	۷.	۰.	۰.	۱۸۴.۶۸	۰.	۲.۱۳۱
	رگرسیون	۹۷۱	۳۴	۰.	۲۲۷	۰.۰۰	۳۲۶	۴	...	
	حضور	۰.	۰.۰	۰.	۱۳	۰.	...	...	...	
	در عرصه عمومی	۵۳۹	۴۰	۰.۵۷	۵۹۰.	...	...	...	...	
۴	ثابت	۰.	۰.۱	۰.	۵.	۰.	۰.	۳۰۹.۸۷	۰.	۲.۰۴۷
	رگرسیون	۶۳۰	۲۴	۰.	۰۹۳	۰.۰۰	۴۴۸	۹	...	
	جهت	۰.	۰.۰	۰.	۱۷	۰.	...	...	...	
	گیری دینی	۶۵۹	۳۷	۰.۶۶	۶۰۳.	...	...	...	...	
۵	ثابت	۰.	۰.۱	۰.	۲.	۰.	۰.	۱۷۶.۶۸	۰.	۱.۹۹۱
	رگرسیون	۴۸۵	۷۳	۰.	۸۰۸	۰.۰۵	۳۱۶	۶	...	
	سرمایه	۰.	۰.۰	۰.	۱۳	۰.	...	...	...	
	اجتماعی	۶۵۵	۴۹	۰.۵۶	۲۹۲.	...	...	...	...	

جهت بررسی عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی است از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد و به علت برقرار نبودن شرط نرمال بودن متغیرها جهت برازش مدل از روش حداقل مربعات جزئی بهره برده شده است. پس از برازش مدل اندازه گیری و بررسی روایی و پایایی سازه ها، شاخص های مربوط به برازش مدل ساختاری بررسی شده و سپس کیفیت کلی مدل مورد آزمون قرار گرفت. در نهایت با استفاده از نتایج حاصل از برازش مدل، عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی شناسایی شد. نتایج برازش مدل اندازه گیری بررسی عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی در شکل (۲) ارائه شده است.



شکل ۲- بار عاملی متغیرهای آشکار مدل بررسی تأثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

مدل اندازه گیری یا مدل بیرونی رابطه بین نشانگرها و متغیرهای مکنون را مشخص می کند. مدل اندازه گیری مربوط به متغیرهای مستقل هویت اجتماعی، جهت گیری دینی، نگرش نسبت به جهانی شدن، حضور در عرصه عمومی و سرمایه اجتماعی و متغیر وابسته آگاهی از حقوق شهروندی در شکل (۲) مشاهده می شود. در مرحله نخست از برازش مدل اندازه گیری، بررسی مناسب بودن بارهای عاملی متغیرهای آشکار و معنی داری های آن مورد نظر می باشد. گویه هایی که بار عاملی برآورد شده برای آنها بیش از ۰.۵ باشد مناسب و معنی دار ارزیابی شده (چین، ۱۹۹۸) و نشان می دهد که آن گویه تاثیر قابل توجه و معناداری در اندازه گیری متغیر پنهان مربوطه دارد. در شکل ۴-۱ و جدول ۴-۱۱، مشاهده می شود بار عاملی متغیرهای آشکار هر شش سازه ی مدل بررسی تأثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی مناسب و بیشتر از ۰.۵ برآورد شده و همگی معنی دار است. همچنین، عامل تورم واریانس (VIF) جهت تشخیص شدت چند خطی در تحلیل رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده می شود. هم خطی زمانی رخ می دهد که یک رابطه خطی یا همبستگی بین یک یا چند متغیر یا ورودی مستقل وجود داشته باشد. این شاخص به عنوان شاخص برازش مدل ترکیبی در مدل معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی استفاده می شود. همان طور که بیان شد، این شاخص نشان می دهد که متغیرهای وارد شده در مدل، تا چه میزان با یکدیگر همخطی دارند حدود قابل قبول برای VIF مقادیر کمتر از ۱۰ می باشد که نشان می دهد که مشکل هم خطی وجود ندارند. (هیر و همکاران، ۲۰۱۱). مشاهده می شود که VIF تمامی متغیرهای آشکار سازه های مدل بررسی تأثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی خیلی کوچکتر از ۱۰ و در حد مناسب می باشد.

جدول ۵. بررسی روایی تاییدی و همخطی سازه‌های مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

متغیر پنهان	متغیر آشکار	بار عاملی	خطای معیار	آمار T	P مقدار	V IF
حضور در عرصه عمومی	d ^۱	۰.۷۲	۰.۰۲۶	۲۸.۱	۰.۰	۱.
	۵			۹۳	۰.۰	۷۵۹
	d ^۲	۰.۷۸	۰.۰۲۶	۳۰.۵	۰.۰	۳.
	۹			۲۹	۰.۰	۷۰۷
	d ^۳	۰.۷۲	۰.۰۲۶	۲۸.۰	۰.۰	۱.
	۵			۸۵	۰.۰	۹۵۸
	d ^۴	۰.۸۴	۰.۰۱۶	۵۲.۶	۰.۰	۲.
	۳			۵۲	۰.۰	۸۲۲
	d ^۵	۰.۸۴	۰.۰۱۷	۴۹.۴	۰.۰	۳.
	۳			۰۳	۰.۰	۹۱۳
سرمایه اجتماعی	d ^۶	۰.۷۵	۰.۰۲۴	۳۱.۴	۰.۰	۱.
	۱			۸۷	۰.۰	۸۵۱
	d ^۷	۰.۶۶	۰.۰۴۰	۱۶.۵	۰.۰	۲.
	۴			۹۵	۰.۰	۶۴۹
	d ^۸	۰.۷۳	۰.۰۲۹	۲۵.۲	۰.۰	۲.
	۶			۴۱	۰.۰	۷۴۰
	اعتماد اجتماعی	۰.۸۷	۰.۰۱۴	۶۳.۴	۰.۰	۳.
	۶			۲۸	۰.۰	۱۴۹
	انسجام اجتماعی	۰.۹۱	۰.۰۱۱	۸۶.۵	۰.۰	۳.
	۳			۷۷	۰.۰	۸۵۰
جهت گیری دینی	حمایت اجتماعی	۰.۸۷	۰.۰۱۵	۵۹.۹	۰.۰	۲.
	۱			۹۹	۰.۰	۸۶۹
	حجم شبکه ارتباطی	۰.۸۹	۰.۰۱۱	۸۲.۷	۰.۰	۳.
	۷			۹۳	۰.۰	۳۹۴
	مشارکت اجتماعی	۰.۸۶	۰.۰۱۵	۵۸.۶	۰.۰	۲.
	۷			۶۳	۰.۰	۹۶۸
	جهت گیری بیرونی	۰.۹۷	۰.۰۰۲	۴۰۰.	۰.۰	۵.
	۶			۹۳۹	۰.۰	۰۴۸
	جهت گیری درونی	۰.۹۷	۰.۰۰۳	۲۹۶.	۰.۰	۵.
	۱			۴۴۱	۰.۰	۰۴۸
آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق اجتماعی	۰.۹۰	۰.۰۱۰	۹۲.۱	۰.۰	۳.
	۹			۶۳	۰.۰	۲۶۷
	حقوق سیاسی	۰.۹۵	۰.۰۰۵	۱۹۳.	۰.۰	۵.
	۷			۵۵۸	۰.۰	۰۷۳
	حقوق مدنی	۰.۸۷	۰.۰۱۳	۶۸.۱	۰.۰	۲.
	۸			۳۳	۰.۰	۶۶۵
	نگرش اجتماعی	۰.۹۱	۰.۰۰۹	۹۸.۰	۰.۰	۳.
	۰			۲۵	۰.۰	۲۴۸
	نگرش اقتصادی	۰.۹۲	۰.۰۰۸	۱۱۳.	۰.۰	۳.
	۱			۷۳۶	۰.۰	۸۲۳

۴.	۰.۰	۱۲۱.	۰.۰۰۸	۰.۹۲	نگرش	
۵۳۳	۰۰	۰۷۶			سیاسی	۹
۴.	۰.۰	۱۱۹.	۰.۰۰۸	۰.۹۲	نگرش	
۱۰۵	۰۰	۳۴۸			فرهنگی	۱
۲.	۰.۰	۵۹.۹	۰.۰۱۵	۰.۸۷	هویت	هویت اجتماعی
۸۳۷	۰۰	۳۴			خانوادگی	۱
۲.	۰.۰	۵۹.۱	۰.۰۱۵	۰.۸۷	هویت	
۹۰۷	۰۰	۴۸			شخصی	۱
۲.	۰.۰	۶۵.۱	۰.۰۱۳	۰.۸۷	هویت	
۹۳۶	۰۰	۲۲			مذهبی	۶
۳.	۰.۰	۹۷.۹	۰.۰۰۹	۰.۹۱	هویت ملی	
۷۶۲	۰۰	۰۱				۱
۲.	۰.۰	۵۱.۰	۰.۰۱۷	۰.۸۶	هویت	
۷۰۳	۰۰	۳۱			گروهی	۳

پایایی مدل اندازه گیری خود توسط دو معیار آلفای کرونباخ و پایایی مرکب مورد سنجش قرار می گیرد. ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب CR برای متغیرهای مدل بیشتر از ۰.۷ بوده و پایایی هر شش سازه ی مدل مناسب ارزیابی می شود. روایی همگرایی سازه ها نیز با دو معیار AVE و ضریب روآ مورد سنجش قرار می گیرد. مشاهده می شود که ضریب AVE برای هر شش سازه ی مدل بیش از ۰.۵ و ضریب روآ بیش از ۰.۷ برآورد شده بنابراین سازه های مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی از اعتبار روایی همگرا نیز برخوردار هستند.

جدول ۶. بررسی پایایی و روایی تاییدی و همگرا سازه های مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

متغیر	آلفا	ضریب روآ	ضریب CR	ضریب AVE
آگاهی از حقوق شهروندی	۰.۹۰	۰.۹۰۸	۰.۹۳۹	۰.۸۳۸
جهت گیری دینی	۰.۹۴	۰.۹۵۰	۰.۹۷۳	۰.۹۴۸
حضور در عرصه عمومی	۰.۸۹	۰.۹۰۴	۰.۹۱۷	۰.۵۸۰
سرمایه اجتماعی	۰.۹۳	۰.۹۳۳	۰.۹۴۸	۰.۷۸۳
نگرش نسبت به جهانی شدن	۰.۹۴	۰.۹۴۲	۰.۹۵۷	۰.۸۴۷
هویت اجتماعی	۰.۹۲	۰.۹۲۶	۰.۹۴۴	۰.۷۷۲
حدود	بیش از ۰.۷	بیش از ۰.۷	بیش از ۰.۷	بیش از ۰.۵

رفرنس	جورج و	مهمت اوغلو،	جورج و	فورنل و
	و	۲۰۱۲	مالری ۲۰۱۳	لارکر
	مالری ۲۰۱۳			(۱۹۸۱)

ماتریس فورنل و لارکر سازه‌های مدل مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی جهت بررسی روایی و اگرایی آنها ارائه شده است در ماتریس فورنل و لارکر، مشاهده می شود که مقدار جذر AVE متغیرها از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه ی زیرین و سمت راست قطر اصلی قرار گرفته بیشتر است. از این رو در مدل سازه ها تعامل بیشتری با شاخص های خود دارند تا با سازه های دیگر و این امر روایی و اگرایی مناسب مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی را تایید می کند. (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱)

جدول ۷. سنجش روایی و اگرایی به روش فورنل و لارکر سازه های مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

۱	۲	۳	۴	۵	۶
۰.					
۹۱۵					
۰.	۰.۹				
۶۷۱	۷۳				
۰.	۰.۶				
۵۶۱	۱۴	۰.۷۶۲			
۰.	۰.۶		۰.		
۵۶۲	۸۴	۰.۵۸۵	۰.۸۸۵		
۰.	۰.۸		۰.		
۶۹۵	۴۷	۰.۶۰۵	۰.۷۱۹	۰.۹۲۰	
۰.	۰.۷		۰.		
۶۲۲	۱۶	۰.۵۵۶	۰.۷۰۹	۰.۷۵۳	۰.۸۷۸

جهت سنجش روایی و اگرایی سازه های مدل از شاخص HTMT بهره گرفته شده است. چنانچه مدلی دارای روایی و اگرایی باشد در واقع سازه های آن تعامل بیشتری با شاخص های خود دارد تا با سازه های دیگر. روایی و اگرایی وقتی در سطح قابل قبول است که مقدار شاخص HTMT سازه ها، از ۰.۹ کمتر باشد. در این جدول مشاهده می شود، هر شش سازه مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی از اعتبار روایی و اگرایی برخوردار است بر اساس شاخص HTMT از اعتبار روایی و اگرایی برخوردار است.

جدول ۸. سنجش روایی و اگرایی سازه های مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی توسط شاخص HTMT

۱	۲	۳	۴	۵
۰.۷۲۴				
۰.۶۱۲	۰.۶۵۹			
۰.۶۱۲	۰.۷۲۸	۰.۶۴۰		

نگرش نسبت به جهانی شدن	۰.۷۵۱	۰.۸۹۸	۰.۶۵۱	۰.۷۶۸
هویت اجتماعی	۰.۶۸۰	۰.۷۶۶	۰.۶۰۶	۰.۸۷۹
				۰.۸۰۸

شاخص اشتراک یا CV.COM جهت بررسی کیفیت سازه های مدل ارائه شده است. نتایج گزارش شده در این جدول نشان می دهد که سازه های مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی از کیفیت مناسبی برخوردارند چرا که ضریب cv.com تمامی سازه ها مثبت برآورد شده است.

جدول ۹. معیار اشتراک سازه های مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

متغیر	SSO	SSE	cv.com
آگاهی از حقوق شهروندی	۱۱۵۲.۰	۴۶۷.۸۵۶	۰.۵۹۴
جهت گیری دینی	۷۶۸.۰	۲۹۷.۳۰۴	۰.۶۱۳
حضور در عرصه عمومی	۳۰۷۲.۰	۱۶۹۲.۰۵۷	۰.۴۴۹
سرمایه اجتماعی	۱۹۲۰.۰	۷۰۹.۳۰۱	۰.۶۳۱
نگرش نسبت به جهانی شدن	۱۵۳۶.۰	۴۹۹.۱۵۱	۰.۶۷۵
هویت اجتماعی	۱۹۲۰.۰	۷۳۷.۳۶۱	۰.۶۱۶

با توجه به نتایج به دست آمده از این بخش، تمامی معیارهای مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی اندازه گیری مناسب بوده و مدل اندازه گیری تایید می شود. بر اساس چارچوب تحلیل در نرم افزار SMART PLS پس از برازش و بررسی مدل های اندازه گیری، مدل ساختاری برازش داده شده و معیارهای آن ارزیابی می شود. در بخش ساختاری تنها متغیرهای پنهان درونزا (متغیر وابسته) مورد بررسی قرار می گیرد. در مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی، متغیر میزان آگاهی از حقوق شهروندی نقش وابسته را دارد.

جدول ۱۰. شاخص های نیکویی برازش مدل ساختاری بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

متغیر درونزا	R ^۲	سطح	SSO	SSE	Q ^۲
میزان آگاهی از حقوق شهروندی	۰.۵۴۴	متوسط	۱۱۵۲.۰	۶۵۸.۲۱۱	۰.۴۲۹

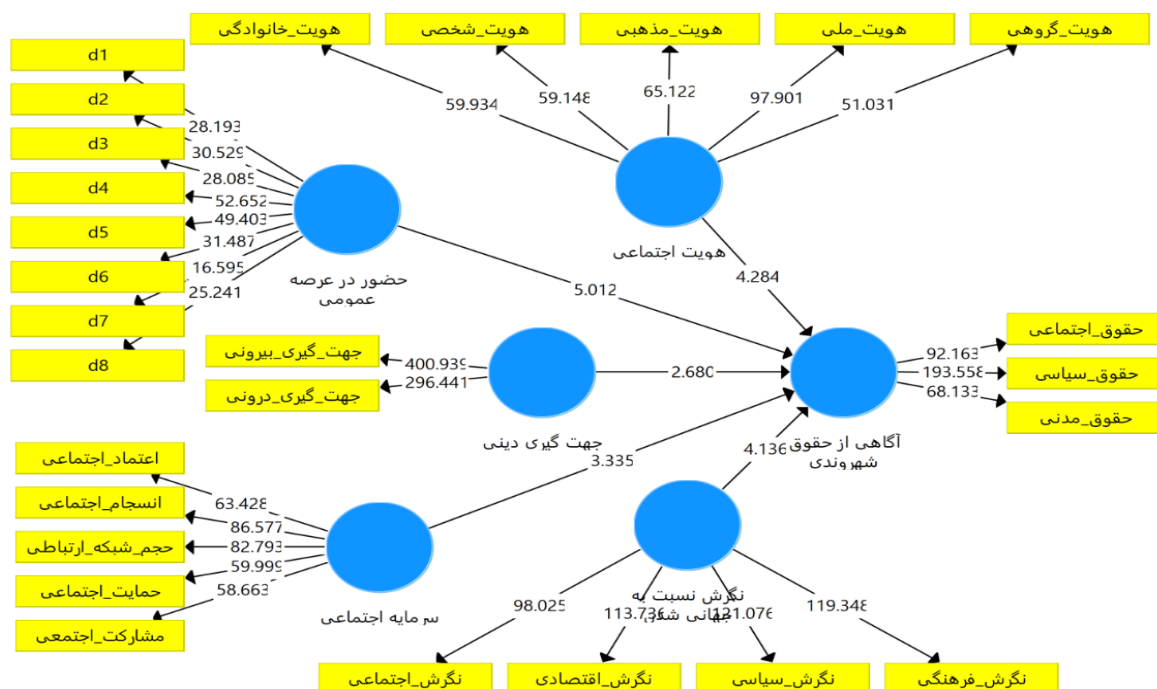
شاخص R^۲ در واقع میزان تاثیر یک متغیر مستقل بر یک متغیر وابسته را می سنجد و مقدار R^۲ تنها برای متغیرهای وابسته یا همان متغیرهای درونزای مدل محاسبه می شود در واقع R^۲ قابلیت متغیرهای مستقل را در پیش بینی متغیر وابسته نشان می دهد. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰.۱۹، ۰.۳۳ و ۰.۶۷ را به عنوان ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^۲ معرفی می کند. (چین، ۱۹۹۸ : ۳۲۳). بر اساس نتایج حاصل قدرت متغیرهای مستقل برای پیش بینی رفتار میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی (۰.۵۴۴) و در سطح متوسط بوده است. شاخص بررسی اعتبار حشو یا افزونگی که به آن معیار cv red یا Q^۲ نیز گفته می شود، قدرت پیش بینی مدل را مشخص می کند و در صورتی که در مورد یک سازه درونزا بیشتر از صفر باشد قدرت پیش بینی آن سازه مناسب ارزیابی می شود. (هنسلر و همکاران، ۲۰۰۹ : ۳۰۳) شاخص Q^۲ نیز برای سازه ی

درونزای مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی مثبت برآورد شده (۰.۴۲۹) و مناسب بودن قدرت پیش بینی کنندگی این سازه را تایید می‌شود. کیفیت کلی مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی، نیز توسط معیار GOF ارزیابی می‌شود. این معیار مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است بدین معنی که توسط این معیار محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. سه مقدار ۰.۰۱، ۰.۲۵ و ۰.۳۵ به عنوان ملاک مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است. (وتزلس و همکاران (۲۰۰۹)). شاخص GOF مدل بررسی عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی برابر ۰.۶۶۳ برآورد شده که بزرگتر از ۰/۴۵ است و نشان دهنده کیفیت قوی مدل بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی می‌باشد. شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد یا SRMR، به عنوان تفاوت میان میزان همبستگی مشاهده شده و ماتریس همبستگی مدل ساختاری می‌باشد. اگر میزان این شاخص از ۰.۱ کوچک تر بود نشان از برازش مناسب و صحیح مدل می‌باشد. (هنسلر و همکاران (۲۰۱۴)). نتایج ارائه شده نشان می‌دهد که شاخص SRMR مدل (۰.۰۵۹) کمتر از ۰.۱ و در سطح قابل قبول بوده است. بنابراین می‌توان گفت مدل بررسی عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی از کیفیت قوی برخوردار است. با توجه به نتایج حاصله کیفیت مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی تایید می‌شود و می‌توان به روابط درون مدل پرداخت.

جدول ۱۱. شاخص‌های نیکویی برازش مدل کلی بررسی تاثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

مقدار	شاخص
۰.۶۶۳	GOF
۰.۰۵۹	SRMR

در این شکل با استفاده از الگوی بوت استارپ به محاسبه آماره T پرداخته شده و با توجه به مقادیر برآورد شده که در شکل مشاهده می‌شود هر شش مسیر مدل معنی دار می‌باشد.



شکل ۳- بار عدد معنی داری مسیرهای مدل بررسی تأثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

جدول ۱۲. برآورد ضرایب مسیرهای مدل بررسی تأثیر عوامل اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی و آزمون معنی داری آنها

مسیر	ضریب	خطای معیار	آمار P	اندازه اثر
جهت گیری دینی - آگاهی از حقوق شهروندی	۰.۱۸۸	۰.۰۷۰	۲.۶	۰.۰
حضور در عرصه عمومی - آگاهی از حقوق شهروندی	۰.۱۸۹	۰.۰۳۸	۵.۰	۰.۰
سرمایه اجتماعی - آگاهی از حقوق شهروندی	۰.۲۰۷	۰.۰۶۲	۳.۳	۰.۰
نگرش نسبت به جهانی شدن - آگاهی از حقوق شهروندی	۰.۳۲۵	۰.۰۷۹	۴.۱	۰.۰
هویت اجتماعی - آگاهی از حقوق شهروندی	۰.۳۲۶	۰.۰۷۶	۴.۲	۰.۰

جهت سنجش اثر ویژگی های فردی یا ویژگی های جمعیت شناختی چون جنسیت، سن، تحصیلات، منطقه سکونت، طبقه اجتماعی و وضعیت تاهل بر میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی با توجه به نرمال بودن توزیع داده های میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق از آزمون های تی مستقل و آنالیز واریانس استفاده شده است و نتایج آن در جدول ۴-۱۹ ارائه گردیده است. بر اساس نتایج آزمون تی مستقل مشاهده می شود که جنسیت بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأثیر معنی داری داشته است ($P=0.008$). نتایج آنالیز واریانس نشان می دهد که تحصیلات و منطقه سکونت نیز بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأثیر معنی داری داشته است.

جدول ۱۳. نتایج آزمون بررسی ویژگی‌های فردی اثرگذار بر حقوق شهروندی و آزمون معنی‌داری آنها

جنسیت	طبقه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	نوع آزمون	آماره آزمون	P مقدار
مرد	زن	۱۹۶	۲۸۴۵	۰.۸۲۴	تی مستقل	۲.۶۶۷	۰.۰۰۸
		۱۸۸	۲۶۲۸	۰.۷۶۵			
سن	۲۰ تا ۲۹ سال	۸۵	۲۶۹۵	۰.۸۹۸	آنالیز واریانس	۱۰۰.۵۱	۰.۳۸۱
	۳۰ تا ۳۹ سال	۹۷	۲۷۳۸	۰.۷۸۸			
	۴۰ تا ۴۹ سال	۹۰	۲۷۹۴	۰.۸۴۱			
	۵۰ تا ۵۹ سال	۷۲	۲۸۳۳	۰.۶۷۵			
	۶۰ سال و بیشتر	۴۰	۲۵۳۸	۰.۷۳۲			
تحصیلات	کمتر از دیپلم	۲۱	۲۸۲۷	۰.۵۹۹	آنالیز واریانس	۵.۳۴۴	۰.۰۰۰
	دیپلم	۶۱	۲۷۵۰	۰.۸۵۳			
	کاردانی	۷۳	۲۷۴۳	۰.۶۷۵			
	کارشناسی	۱۱۹	۲۵۹۲	۰.۷۷۶			
	ارشد	۹۰	۲۷۱۸	۰.۸۲۹			
	دکتری	۲۰	۳۵۶۰	۰.۸۶۹			
وضعیت تاهل	مجرد	۱۴۱	۲۸۰۹	۰.۸۱۷	آنالیز واریانس	۱.۱۶۸	۰.۳۱۲
	متاهل	۱۹۰	۲۶۷۶	۰.۸۱۵			
	مطلقه	۵۳	۲۷۷۳	۰.۷۰۲			
منطقه سکونت	شمالی	۱۴۰	۲۹۸۵	۰.۸۸۰	آنالیز واریانس	۱۱.۳۷۰	۰.۰۰۰
	مرکزی	۱۲۹	۲۵۸۲	۰.۶۹۷			
	جنوبی	۱۱۵	۲۶۱۳	۰.۷۴۴			
طبقه اجتماعی	بالا	۴۲	۲۸۵۲	۰.۶۷۵	آنالیز واریانس	۱.۱۹۰	۰.۳۱۵
	متوسط رو به بالا	۹۲	۲۶۶۹	۰.۷۶۹			
	متوسط	۱۲۰	۲۷۲۱	۰.۸۵۷			
	متوسط رو به پایین	۸۱	۲۶۷۲	۰.۸۵۷			
	پایین	۴۹	۲۹۲۳	۰.۷۱۷			

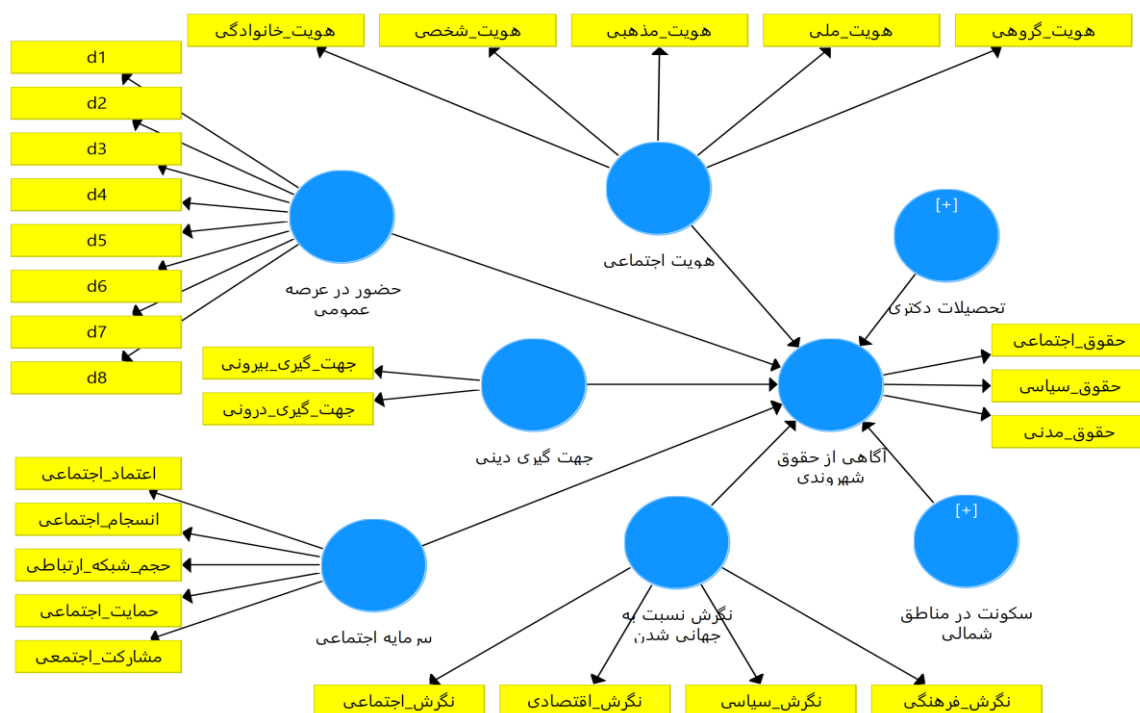
نتایج آزمون تعقیبی برای تاثیر تحصیلات و منطقه سکونت بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی نشان می‌دهد میزان آگاهی افرادی که دارای تحصیلات دکتری هستند از حقوق شهروندی به صورت معنی‌داری بیشتر از سایر افراد است. ($P < 0.05$) همچنین افرادی که در مناطق شمالی تهران ساکن بوده‌اند نسبت به افراد ساکن در سایر مناطق، آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی داشته‌اند.

جدول ۱۴. نتایج آزمون تعقیبی برای تاثیر تحصیلات و منطقه سکونت بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی

■ تأثیر عوامل اجتماعی بر حقوق شهروندی... / احمد حاجی صفرعلی، ابوالقاسم حیدرآبادی و علی رحمانی

تحصیلات	گروه ۱	گروه دوم	میانگین تفاضل (گروه دوم-گروه اول)	انحراف استاندارد خطا	P مقدار	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
						حد پایین	حد بالا
	کمتر از دیپلم	دیپلم	۰.۰۷۸	۰.۱۹۷	۰.۹۹۹	-۰.۴۸۸	۰.۶۴۳
		کاردانی	۰.۰۸۴	۰.۱۹۳	۰.۹۹۸	-۰.۴۶۹	۰.۶۳۷
		کارشناسی	۰.۲۳۶	۰.۱۸۵	۰.۷۹۸	-۰.۲۹۳	۰.۷۶۴
		ارشد	۰.۱۱۰	۰.۱۸۹	۰.۹۹۲	-۰.۴۳۲	۰.۶۵۱
		دکتری	-۰.۷۳۲	۰.۲۴۴	۰.۰۳۴	۱.۴۳۱-	-۰.۰۳۴
	دیپلم	کاردانی	۰.۰۰۶	۰.۱۳۵	۱.۰۰۰	-۰.۳۸۱	۰.۳۹۴
		کارشناسی	۰.۱۵۸	۰.۱۲۳	۰.۷۹۳	-۰.۱۹۴	۰.۵۱۰
		ارشد	۰.۰۳۲	۰.۱۲۹	۱.۰۰۰	-۰.۳۳۹	۰.۴۰۳
		دکتری	-۰.۸۱۰	۰.۲۰۱	۰.۰۰۱	۱.۳۸۶-	-۰.۲۳۴
	کاردانی	کارشناسی	۰.۱۵۱	۰.۱۱۶	۰.۷۸۲	-۰.۱۸۱	۰.۴۸۴
		ارشد	۰.۰۲۶	۰.۱۲۳	۱.۰۰۰	-۰.۳۲۶	۰.۳۷۸
		دکتری	-۰.۸۱۶	۰.۱۹۷	۰.۰۰۱	۱.۳۸۰-	-۰.۲۵۲
	کارشناسی	ارشد	-۰.۱۲۶	۰.۱۰۹	۰.۸۵۸	-۰.۴۳۸	۰.۱۸۶
		دکتری	-۰.۹۶۸	۰.۱۸۹	۰.۰۰۰	۱.۵۰۸-	-۰.۴۲۸
	ارشد	دکتری	-۰.۸۴۲	۰.۱۹۳	۰.۰۰۰	۱.۳۹۵-	-۰.۲۹۰
منطقه سکونت	شمالی	مرکزی	۰.۴۰۳	۰.۰۹۵	۰.۰۰۰	۰.۱۷۹	۰.۶۲۸
		جنوبی	۰.۳۷۲	۰.۰۹۸	۰.۰۰۱	۰.۱۴۱	۰.۶۰۴
	مرکزی	جنوبی	-۰.۰۳۱	۰.۱۰۰	۰.۹۴۹	-۰.۲۶۷	۰.۲۰۵

بنابراین با توجه به نتایج این بخش و بخش قبل می توان مدل نهایی عوامل اجتماعی و فردی اثر گذار بر میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی را به صورت شکل زیر طراحی نمود.



شکل ۴- مدل نهایی عوامل فردی و اجتماعی اثرگذار بر حقوق شهروندی

بین هویت اجتماعی و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه در جدول ۴-۱۸ آماره آزمون مربوط به مسیر هویت اجتماعی - میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۴۰۲۸۲ برآورد شده که بزرگتر از ۱/۹۶ است و P مقدار آن ۰۰۰۰ می باشد، معنی داری ضریب این مسیر تایید شده و همچنین ضریب این مسیر ۰/۳۲۶ برآورد شده، که مقداری مثبت است و بین هویت اجتماعی و حقوق شهروندی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. اندازه اثر هویت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۰/۳۵ برآورد شده که بیش از ۰/۲ بوده و در سطح ضعیف است.

بین جهت‌گیری دینی و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به آماره آزمون مربوط به مسیر جهت‌گیری دینی - میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۲۶۸۰ برآورد شده که بزرگتر از ۱/۹۶ است و P مقدار آن ۰۰۰۸ می باشد، معنی داری ضریب این مسیر تایید شده و همچنین ضریب این مسیر ۰/۱۸۸ برآورد شده، که مقداری مثبت است و بین جهت‌گیری دینی و حقوق شهروندی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. اندازه اثر جهت‌گیری دینی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۰/۲۰ برآورد شده که براساس نظر کوهن در سطح ضعیف است.

بین سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به آماره آزمون مربوط به مسیر سرمایه اجتماعی - میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۳۰۳۳۵ برآورد شده که بزرگتر از ۱/۹۶ است و P مقدار آن ۰۰۰۱ می باشد، معنی داری ضریب این مسیر تایید شده و همچنین ضریب این مسیر ۰/۲۰۷ برآورد شده، که مقداری مثبت است و بین سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. اندازه اثر سرمایه اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۰/۱۵ برآورد شده که براساس نظر کوهن در سطح ضعیف است.

بین حضور در حوزه عمومی و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه آماره آزمون مربوط به مسیر حضور در حوزه عمومی - میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۵۰۱۲ برآورد شده که بزرگتر از ۱/۹۶ است و P مقدار آن ۰.۰۰۰ می باشد، معنی داری ضریب این مسیر تایید شده و همچنین ضریب این مسیر ۰/۱۸۹ برآورد شده، که مقداری مثبت است و بین حضور در حوزه عمومی و حقوق شهروندی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. اندازه اثر حضور در حوزه عمومی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۰/۰۴۴ برآورد شده که براساس نظر کوهن در سطح ضعیف است.

بین حضور در حوزه عمومی و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به آماره آزمون مربوط به مسیر نگرش به جهانی شدن - میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۴۰۱۳۶ برآورد شده که بزرگتر از ۱/۹۶ است و P مقدار آن ۰.۰۰۰ می باشد، معنی داری ضریب این مسیر تایید شده و همچنین ضریب این مسیر ۰/۳۲۵ برآورد شده، که مقداری مثبت است و بین نگرش به جهانی شدن و حقوق شهروندی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. اندازه اثر نگرش به جهانی شدن بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی ۰/۰۵۴ برآورد شده که براساس نظر کوهن در سطح ضعیف است.

بین ویژگی فردی (سن، تحصیلات، جنسیت، محل سکونت، وضعیت تأهل، پایگاه اقتصادی اجتماعی) و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به P مقدار مربوط به آزمون آنالیز واریانس سن، وضعیت تاهل و طبقه اجتماعی بیش از ۰.۰۵ برآورد شده، اثر آنها معنی نمی باشد و بین ویژگی فردی (سن، وضعیت تأهل و طبقه اجتماعی) و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین P مقدار مربوط به آزمون تی تک نمونه ای جنسیت و آزمون آنالیز واریانس تحصیلات و منطقه سکونت کمتر از ۰.۰۵ برآورد شده، اثر آنها معنی می باشد و بین ویژگی فردی (جنسیت، میزان تحصیلات و منطقه سکونت) و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بر میانگین های ارائه شده در این جدول نتیجه می شود میانگین میزان آگاهی مردان (۲.۸۴۵) از حقوق شهروندی به صورت معنی داری بیشتر از زنان (۲.۶۲۸) بوده است. میانگین میزان آگاهی افرادی که دارای تحصیلات دکتری بوده اند به صورت معنی داری بیشتر از سایر افراد بوده و همچنین افراد ساکن در مناطق شمالی به صورت معنی داری از حقوق شهروندی آگاهی بیشتری داشته اند.

بحث و نتیجه گیری

یکی از مهم ترین نتایج این تحقیق، تفاوت هایی است که در آگاهی از حقوق مختلف شهروندی مشاهده می شود. آگاهی از حقوق مدنی نسبت به حقوق اجتماعی و سیاسی اندکی بالاتر بود، اما این تفاوت ها در مقیاس های آماری تفاوت های معناداری ایجاد نکرده است. حقوق مدنی به طور سنتی در جامعه ایران بیشتر از دیگر حقوق شناخته شده است. این حقوق به حقوقی نظیر حق انتخاب، آزادی بیان، و حق دفاع از خود در برابر ظلم و بی عدالتی اشاره دارند. این مسائل عمدتاً در دوران های گذشته تحت بحث های گسترده قرار گرفته اند و به نوعی در سطوح عمومی جامعه مطرح شده اند. به عنوان مثال، موضوعاتی چون حق انتخاب نماینده، حق بیان نظرات سیاسی و اجتماعی، و مسائل حقوقی مشابه به طور مداوم در رسانه ها و شبکه های عمومی بحث می شود. اما، حقوق اجتماعی نظیر حق مسکن، حق دسترسی به آموزش رایگان، حق کار و تأمین اجتماعی، در مقایسه با حقوق مدنی کمتر مورد توجه و بحث عمومی قرار گرفته اند. این مسئله شاید نشان دهنده این واقعیت باشد که حقوق اجتماعی و اقتصادی

به‌طور مستقیم در زندگی روزمره مردم تأثیر می‌گذارند، اما همچنان به‌طور گسترده در آموزش و رسانه‌ها پوشش کمتری دارند. به‌ویژه در جامعه‌ای که مشکلات اقتصادی همچنان در صدر مسائل قرار دارد، ممکن است حقوق اجتماعی به‌عنوان یک مسئله حاشیه‌ای شناخته شوند و کمتر مورد توجه قرار گیرند. علاوه بر این، نتایج این پژوهش همچنین نشان‌دهنده تأثیر برخی ویژگی‌های فردی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی هستند. یکی از مهم‌ترین عواملی که بر آگاهی تأثیرگذار است، جنسیت است. مردان نسبت به زنان آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی دارند. این نتیجه می‌تواند ناشی از دسترسی متفاوت به منابع اطلاعاتی، شبکه‌های اجتماعی متفاوت، و تفاوت‌های فرهنگی باشد. در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، مردان به‌طور سنتی دسترسی بیشتری به فرصت‌های آموزشی و منابع اطلاعاتی دارند. این تفاوت‌های دسترسی می‌تواند به افزایش آگاهی و همچنین مشارکت فعال‌تر در امور اجتماعی منجر شود. از سوی دیگر، زنان ممکن است به‌دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی، کمتر فرصت کنند تا از حقوق خود آگاهی پیدا کنند و در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته باشند. این یافته بیانگر لزوم ایجاد فرصت‌های برابر برای آموزش و اطلاع‌رسانی در خصوص حقوق شهروندی برای هر دو جنس است.

از دیگر یافته‌های پژوهش، تأثیر سن بر آگاهی از حقوق شهروندی است. در این مطالعه، تفاوت‌های معناداری بین گروه‌های سنی مشاهده نشد، که نشان می‌دهد سن تأثیر چندانی بر آگاهی از حقوق شهروندی ندارد. این مسئله می‌تواند نشانه‌ای از یک واقعیت اجتماعی باشد که افراد در تمامی سنین ممکن است از منابع آموزشی و اطلاعاتی یکسانی برخوردار نباشند. در نتیجه، سطح آگاهی آنان ممکن است بیشتر تحت تأثیر شرایط فرهنگی، اجتماعی و آموزشی قرار گیرد تا صرفاً سن. به‌عبارت دیگر، تفاوت‌های نسلی در آگاهی از حقوق شهروندی ممکن است ناشی از روندهای اجتماعی و تغییرات فرهنگی در طول زمان باشد. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش که نیاز به توجه دارد، تأثیر تحصیلات بر آگاهی از حقوق شهروندی است. افراد با تحصیلات بالاتر معمولاً آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی دارند. این یافته نه تنها تأثیر آموزش را بر افزایش آگاهی از حقوق فردی و اجتماعی تأیید می‌کند، بلکه به‌طور خاص نشان‌دهنده اهمیت آموزش حقوقی در تمامی سطوح تحصیلی است. به‌ویژه در مقاطع تحصیلی پایین‌تر، که بسیاری از افراد ممکن است با مفاهیم حقوقی آشنا نباشند، لزوم گنجاندن آموزش‌های مربوط به حقوق شهروندی در برنامه‌های درسی بیشتر احساس می‌شود. این نوع آموزش‌ها می‌توانند به شهروندان کمک کنند تا حقوق خود را بهتر بشناسند و در مواقع لزوم از آن‌ها دفاع کنند. در نهایت، تأثیر منطقه سکونت بر آگاهی از حقوق شهروندی نیز از نتایج مهم این پژوهش است. شهروندان مناطق شمالی تهران که معمولاً از دسترسی به منابع اطلاعاتی و امکانات آموزشی بیشتری برخوردارند، آگاهی بیشتری از حقوق خود دارند. این در حالی است که شهروندان مناطق جنوبی و مرکزی که ممکن است با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتری روبه‌رو باشند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند. این مسئله نشان‌دهنده رابطه مستقیم میان سطح توسعه‌یافتگی و دسترسی به منابع اطلاعاتی در مناطق مختلف شهر است. در نتیجه، سیاست‌گذاری‌هایی که بر ارتقای سطح آموزش و آگاهی در مناطق کم‌برخوردار تأکید دارند، می‌توانند به کاهش این نابرابری‌های اطلاعاتی کمک کنند و شرایطی فراهم آورند که همه شهروندان، فارغ از منطقه سکونتشان، از حقوق خود آگاه باشند. نتایج این پژوهش به‌وضوح نشان‌دهنده نیاز به ارتقای آگاهی از حقوق شهروندی در میان شهروندان تهران است. بر اساس تحلیل‌های مختلف، به‌نظر می‌رسد که عواملی

چون جنسیت، تحصیلات، و منطقه سکونت تأثیر زیادی بر میزان آگاهی دارند. بنابراین، اقدامات آموزشی و اطلاع‌رسانی باید به گونه‌ای طراحی شوند که این تفاوت‌ها را پوشش دهند و به‌ویژه بر آموزش حقوق شهروندی در سطح گسترده‌تر تأکید کنند. در این راستا، رسانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند نقش مهمی در ارتقای آگاهی از حقوق شهروندی ایفا کنند.

تأثیر متغیرهای اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی از جمله موضوعات پیچیده‌ای است که می‌تواند درک عمیقی از تعاملات فردی و اجتماعی را به همراه داشته باشد. مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) به عنوان ابزاری برای تحلیل روابط پیچیده بین متغیرهای مختلف، در این مطالعه به کار رفته است. در این تحلیل، متغیرهای هویت اجتماعی، نگرش به جهانی شدن، سرمایه اجتماعی، حضور در عرصه عمومی و جهت‌گیری دینی به عنوان عواملی شناخته شده که تأثیر معناداری بر آگاهی از حقوق شهروندی دارند، بررسی شده‌اند. از آنجا که این روابط پیچیده هستند، تحلیل و تفسیر آن‌ها می‌تواند نشان‌دهنده بُعدهای مختلفی از تعاملات اجتماعی باشد که در افزایش آگاهی از حقوق شهروندی مؤثرند. در آغاز، به تبیین مفهوم آگاهی از حقوق شهروندی پرداخته می‌شود. این آگاهی به معنای شناخت و درک حقوق و وظایف افراد در جامعه است که می‌تواند شامل حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد. افرادی که از این حقوق آگاهند، می‌توانند در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشارکت کنند و در برابر هرگونه نقض حقوق خود، آگاهانه واکنش نشان دهند. به همین دلیل، بررسی عواملی که این آگاهی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بسیار مهم است. در مدل‌سازی معادلات ساختاری این تحقیق، هویت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرها شناسایی شده است. هویت اجتماعی مفهومی است که به احساس تعلق فرد به گروه‌های مختلف اجتماعی اشاره دارد، از جمله گروه‌های ملی، مذهبی و گروهی. تأثیر معنادار هویت اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی ($\beta = 0,326$) نشان‌دهنده این است که افراد با هویت اجتماعی قوی‌تر، نسبت به حقوق خود آگاه‌ترند. این نتیجه به وضوح بیانگر نقش احساس تعلق به گروه‌ها و تعاملات اجتماعی در افزایش آگاهی از حقوق است. افرادی که هویت اجتماعی قوی دارند، در معرض اطلاعات و تجربیات بیشتری از جامعه خود قرار دارند که به نوبه خود موجب افزایش آگاهی آن‌ها از حقوق شهروندی می‌شود. این امر به ویژه در جوامعی که هویت ملی یا مذهبی قوی دارند، بیشتر مشهود است. نگرش به جهانی شدن، متغیر دیگری است که در این مدل به طور معناداری با آگاهی از حقوق شهروندی ارتباط دارد. نگرش به جهانی شدن به معنای دیدگاه فرد نسبت به فرآیند جهانی شدن و تأثیرات آن بر زندگی فردی و اجتماعی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که افرادی که نگرش مثبت‌تری به جهانی شدن دارند، به طور معناداری آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی خود دارند. ($\beta = 0,325$) این یافته نشان‌دهنده آن است که جهانی شدن، به ویژه از طریق دسترسی به اطلاعات بین‌المللی و آشنایی با نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر، می‌تواند موجب افزایش آگاهی افراد از حقوق خود در سطح جهانی شود. نگرش به جهانی شدن به افراد این امکان را می‌دهد که تفاوت‌ها و شباهت‌های بین سیستم‌های حقوقی کشورهای مختلف را درک کنند و از این طریق آگاهی خود را در مورد حقوق شهروندی ارتقاء دهند. سرمایه اجتماعی نیز یکی از متغیرهای کلیدی در این تحقیق است. سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از روابط اجتماعی و تعاملات میان افراد در یک جامعه اطلاق می‌شود که بر اساس اعتماد متقابل، انسجام اجتماعی و مشارکت مدنی شکل می‌گیرد. در این تحقیق، تأثیر سرمایه اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی معنادار است. ($\beta = 0,207$) این نشان می‌دهد که افراد با

سرمایه اجتماعی بالاتر، به طور معمول آگاهی بیشتری از حقوق خود دارند. نظریه پاتنام (۲۰۰۰) در این زمینه تأکید دارد که سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در ارتقاء آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی عمل کند. افرادی که در جوامع با سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی زندگی می‌کنند، ارتباطات و تعاملات بیشتری دارند که این تعاملات می‌تواند به افزایش درک آن‌ها از حقوق شهروندی منجر شود. حضور در عرصه عمومی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی است. عرصه عمومی به فضایی اطلاق می‌شود که در آن افراد می‌توانند به بحث و تبادل نظر بپردازند و در مسائل اجتماعی و سیاسی مشارکت کنند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که افرادی که بیشتر در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی شرکت دارند، آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی دارند. ($\beta = 0.189$) این یافته به وضوح نشان‌دهنده آن است که مشارکت در عرصه عمومی می‌تواند به افزایش آگاهی از حقوق شهروندی کمک کند. نظریه کنش ارتباطی هابرماس (۱۹۸۷) نیز بر این نکته تأکید دارد که در جوامعی که افراد به طور فعال در فضای عمومی مشارکت می‌کنند، آگاهی آنان از حقوق شهروندی بیشتر خواهد بود. این مشارکت‌ها نه تنها به تبادل اطلاعات کمک می‌کنند، بلکه موجب تقویت حس مسئولیت اجتماعی در افراد نیز می‌شوند. در نهایت، تأثیر جهت‌گیری دینی بر آگاهی از حقوق شهروندی نیز در این تحقیق بررسی شده است. جهت‌گیری دینی به نوعی از رابطه فرد با دین و اعتقادات دینی اطلاق می‌شود. نتایج نشان می‌دهند که افرادی که دارای جهت‌گیری دینی درونی هستند، آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی دارند. ($\beta = 0.188$) این یافته به این معناست که افرادی که دین را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از هویت خود می‌بینند و به اصول دینی به صورت درونی و شخصی پایبندند، احتمالاً درک بهتری از حقوق و مسئولیت‌های خود در جامعه دارند. در مقابل، افرادی که جهت‌گیری دینی بیرونی دارند، یعنی دین را بیشتر به عنوان یک عامل اجتماعی و بیرونی تجربه می‌کنند، تأثیر کمتری بر آگاهی از حقوق شهروندی دارند. این تأثیر می‌تواند به دلیل ارتباطات کمتر افراد با آموزه‌های دینی باشد که حقوق بشر و مسئولیت‌های شهروندی را به صورت مفصل مورد تأکید قرار می‌دهند. در مجموع، نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که متغیرهای اجتماعی مختلف می‌توانند تأثیرات معناداری بر آگاهی از حقوق شهروندی داشته باشند. این عوامل از جمله هویت اجتماعی، نگرش به جهانی شدن، سرمایه اجتماعی، حضور در عرصه عمومی و جهت‌گیری دینی همگی به نوعی با افزایش آگاهی از حقوق شهروندی ارتباط دارند. همچنین، میزان تبیین‌پذیری ۵۴.۴٪ از تغییرات در آگاهی از حقوق شهروندی، نشان‌دهنده آن است که این متغیرها می‌توانند بخش قابل توجهی از تغییرات مربوط به آگاهی از حقوق شهروندی را توضیح دهند.

از این رو، برای ارتقاء آگاهی از حقوق شهروندی در جوامع مختلف، توجه به این متغیرها و تقویت آن‌ها می‌تواند گام‌های مؤثری باشد. ایجاد بسترهای مناسب برای تقویت هویت اجتماعی، گسترش دسترسی به اطلاعات جهانی، تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت در عرصه‌های عمومی و ارتقاء جهت‌گیری دینی می‌تواند به افزایش آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه منجر شوند. تحقیق صالحی و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان داد که بین سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی و سرمایه اقتصادی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد. میزان آگاهی از حقوق شهروندی با توجه به رابطه معنادار با سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی و سرمایه اقتصادی، به عنوان متغیری مهم و تأثیرگذار می‌تواند زمینه رفاه و توسعه سیاسی،

اقتصادی و اجتماعی جامعه هدف را فراهم سازد. رستگار خالد و عظیمی (۱۳۹۱) نشان می دهند که شهروندی دموکراتیک با تأکید بر هر دو بعد حق و یا وظیفه شهروندی، از ملزومات اساسی جوامع خواهان دموکراسی واقعی است و مطابق با نظریات اندیشمندانی چون توکویل، آلموند و وربا، پوتنام و غیره یکی از عوامل تثبیت و گسترش شهروندی دموکراتیک، سرمایه اجتماعی می باشد. همچنین ترنر معتقد است که مشارکت اجتماعی یعنی حضور و فعالیت در انجمنهای داوطلبانه می تواند با افزایش آگاهی شهروندان از حقوق و وظایف خود فرصتهایی را برای مشارکت اجتماعی، درگیری دموکراتیک در سطح ملی و بنابراین فرصتهایی را برای شهروندان فعال تدارک بینند. تامس هامفری مارشال شهروندی را نوعی موقعیت اجتماعی اعطاشده به افراد یک جامعه می داند که به موجب آن تمامی افراد صرف نظر از تفاوت های فرهنگی، از جایگاه، حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده، برخوردارند. در فرضیه بعدی به ارتباط بین هویت اجتماعی و حقوق شهروندی پرداخته شد. نشان داد که بین هویت اجتماعی و حقوق شهروندی رابطه مثبت و مستقیم معناداری وجود دارد. هر چه میزان هویت اجتماعی بیشتری شود، میزان حقوق شهروندی افزایش می یابد. یعنی شهروندان برای به دست آوردن هویت شخصی و اجتماعی خودشان، احساس نیاز بیشتری به آگاهی از حقوق شهروندی می کنند. هرچه آگاهی در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی افزایش می یابد احساس هویت جمعی نیز افزایش می یابد که این امر موجب تقویت هویت ملی، وفاداری و احساس مسئولیت اجتماعی می گردد. نتایج به دست آمده با یافته های بهرامی و همکاران (۱۳۹۸)، زارع شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۷)، احمدی و علی پور (۱۳۹۷) و استیونسون و همکاران (۲۰۱۵) هماهنگ و همسو است. در یکی دیگر از فرضیه ها این مهم بررسی شد که بین حضور در حوزه عمومی و حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. یافته ها نشان داد که بین حضور در حوزه عمومی و حقوق شهروندی مثبت و مستقیم می باشد. هر چه میزان حضور در حوزه عمومی بیشتر شود، میزان حقوق شهروندی افزایش می یابد و برعکس هر چه میزان حضور در حوزه عمومی کمتر شود، میزان حقوق شهروندی کاهش می یابد. ضریب همبستگی پیرسون بین حضور در حوزه عمومی و حقوق شهروندی برابر با ۰/۳۵۴ است. از دیدگاه هابرماس حوزه عمومی عرصه ای است، که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می آیند. در چنین حوزه ای اصول برابری و امکان دسترسی، اصولی غیر قابل حذف هستند. از نظر وی در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می کنند و در نقش شهروندی، فرد به عنوان عضو تمام متعهد به جامعه خود می گردد و شأن حقوقی ویژه ای دارد و از حقوق شهروندی خاصی بهره مند است بر همین مبنا وی مشارکت و حضور در عرصه عمومی را معرف اصلی شهروندی می داند، و آن را به گونه های مختلف تحلیل کرده است. به همین دلیل دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه بیشتر قرار می دهد. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی به ایفای نقش شهروندی خواهند پرداخت.

در یکی دیگر از فرضیه های این تحقیق مشخص شده است که بین جهت گیری دینی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مثبت و مستقیم معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین میزان جهت گیری دینی و آگاهی از حقوق شهروندی برابر با ۰/۳۳۷ است. نتایج به دست آمده با یافته های حاجی زاده میمندی و غلامی (۱۳۹۷)، شارع پور و همکاران (۱۳۹۵) و موحد و همکاران (۱۳۸۸) هماهنگ و همسو است. آگاهی بخشی به عنوان یکی از کارکردهای دین شناخته شده است. از طرف دیگر

دین یک نهاد سنتی است که با نهادها و ارزش‌های مدرن دارای چالش و شهر جایگاه اصلی ایفای حقوق شهروندی است. در قرآن مبحث حقوق شهروندی و بشر در محوریت قرار دارد و حق الناس در اسلام ناظر به همین مطلب است. حقوق شهروندی، مجموعه قواعد و احکام و قوانینی را شامل می‌شود که بر روابط بین شخصی شهروندان حاکم باشد و به آنها جایگاهی را به‌عنوان عضوی از جامعه اعطا کند. درواقع حقوق شهروندی به‌نوعی حمایت‌های قانون و واگذاری حقوق به شهروندان را برای محافظت آنها از در برابر انواع ناعدالتیها را شامل می‌شود.

در فرضیه بعدی نشان داده شد که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مثبت و مستقیم معناداری وجود دارد. کارل مارکس نیز معتقد است که موقعیت اقتصادی و نابرابری‌های موجود در یک جامعه افراد را به رقابت، نزاع و مبارزه با هم سوق می‌دهد و برابری قانونی در واقع سرپوشی بر نابرابری‌های اقتصادی است و با وجود این نابرابری‌ها امکان مشارکت برابر برای همه افراد در امور سیاسی و اجتماعی ممکن نیست. او خواستار رهایی همه افراد بشر است، که این امر با نظام سرمایه داری در تضاد است. به زعم مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. براین اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. بنابراین، باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوقشان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت. شهروندان در جامعه بورژوازی آزاد و برابر نیستند، موقعیت اقتصادی و نابرابری‌های موجود در این جامعه افراد را به رقابت، نزاع و مبارزه باهم سوق می‌دهد. بنابراین، با توجه به این نظریه مارکس فرضیه پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد بر میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی تأثیر دارد مورد بررسی قرار گرفت. درآمد شهروند، یا درآمد پایه‌ای، مبلغ پول تضمین شده‌ای است که هر شهروند بالغ صرف نظر از موقعیت شغلی‌اش پرداخت می‌شود و اولین مزیت آن این است که، یک حق اجتماعی همگانی است. به عقیده فالكس کارکرد اصلی شهروندی اداره جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند. فالكس به منظور معنادار ساختن شهروندی و در اختیار گذاشتن فرصت واقعی به افراد برای استفاده از حقوقشان و انجام تعهداتشان، مطرح کرده است. درآمد شهروند یا درآمد پایه‌ای، مبلغ پول تضمین شده‌ای است که به هر شهروند بالغ. صرف نظر از موقعیت شغلی‌اش پرداخت می‌شود و اولین مزیت آن این است که یک حق اجتماعی همگانی است. به عقیده فالكس کارکرد اصلی شهروندی اداره جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند (فالكس، ۱۳۹۰، ۱۶۶). مارشال با برقرار کردن ارتباط بین شهروندی و طبقه اجتماعی، وارد زمینه مناقشه انگیزی در مورد رابطه بین سرمایه‌داری و پایگاه سرمایه داری شد. حتی در تعریف مارشال از شهروندی، پایگاهی اعطا شده به کسانی است که عضو کامل یک اجتماع اند. تمام کسانی که از این پایگاه برخوردارند، بنابر حقوق و وظایف مرتبط با این پایگاه با هم برابرند. هیچ اصل عامی وجود ندارد که تعیین کند حقوق و وظایف مذکور چه باید باشند.

در فرضیه بعدی رابطه بین جهانی شدن و آگاهی از حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گرفت. فرض اصلی این بود که به نظر می‌رسد که بین نگرش به جهانی شدن و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان داد که

میانگین حقوق شهروندی در بین افراد نسبتاً بالا بوده و میانگین آن برابر با ۳/۱۴ است. یافته‌های تحلیلی بیان می‌کند که سطح معنی‌داری برابر صفر و میزان همبستگی پیرسون ۰/۴۴۲ که نشان از معنی‌داری رابطه نگرش به جهانی شدن و آگاهی از حقوق شهروندی می‌باشد. همچنین نگرش به جهانی شدن از چهار بعد سنجیده شده که با توجه به نتیجه آزمون این ابعاد یعنی جهانی شدن اجتماعی، جهانی شدن سیاسی، جهانی شدن اقتصادی و جهانی شدن فرهنگی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده با یافته‌های قرشی و همکاران (۱۴۰۲)، طایفه پارچلو و همکاران (۱۴۰۲)، عالم تبریز و همکاران (۱۴۰۰)، ترکمن (۱۳۹۷)، سیفی آتشکاه (۱۳۹۷) و جعفری و منوچهری (۱۳۹۴) هماهنگ و همسو است. همانطور که مارشال بیان می‌کند همه افراد جامعه دارای حقوق و وظایفی هستند که مهمترین این حقوق و وظایف شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی می‌باشند. فاکس ارتقای شهروندی را مستلزم رسمیت بخريدن به حقوق و مسئولیت‌های شهروندان فعال و جامعه سیاسی نسبت به یکدیگر می‌داند. جهانی شدن روابط اجتماعی در چند دهه اخیر در ایران نشان می‌دهد که افراد، آگاهی فزاینده‌ای نسبت به رخدادها و جریان‌های زندگی اقصی نقاط جهان پیدا کرده‌اند. افزایش آگاهی منجر به افزایش سطح توقعات و انتظارات آنها شده است. جهانی شدن روابط اجتماعی و استفاده روزافزون از برخی رسانه‌های نوظهور که خاصیت شبکه‌ای داشته است، سطح توقعات گروه‌های اجتماعی از زندگی بویژه زندگی شهری را بیش از پیش افزایش داده است و بر این اساس، توقعات اجتماعی در کنار توجه به کیفیت زندگی - و نه الزاماً تلاش برای دستیابی به ارزش‌ها و نیازهای مادی - بر اثر همین تجربه بالا رفته است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۷۶). با جهانی شدن، نگرش ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای پایدار متعلق به یک یا چند فرهنگ رفته رفته به صورت شبکه واحدی از روابط اجتماعی در می‌آید، و در نتیجه، روابط اجتماعی که در گذشته به زمان و مکان خاصی مربوط می‌شد، با گذشتن از مرزها و محدودیت‌ها، ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند. فرهنگ جهانی که در این فضا متبلور می‌شود، فرهنگی متمایز از فرهنگ‌های خاص است که به هویت تاریخی تعلق ندارد و فرهنگی التقاطی، عام و بی‌زمان است. در واقع، جهانی شدن فرهنگ، موجب ظهور تغییرات بنیادین در نظام فرهنگی و روابط اجتماعی می‌شود (اون، ۲۰۰۷: ۷۱). جهانی شدن در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر آگاهی شهروندی تأثیر می‌گذارد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برای ارتقای حقوق شهروندی نیازمند تعامل سازنده میان شهروندان، سازمان‌ها و نهادهای شهری هستیم و برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و مشارکتی باید متناسب با ویژگی‌های هر منطقه طراحی شود. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان پیش‌نیاز تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سیاستگذاری شهری اهمیت دارد و مطالعه حاضر می‌تواند به عنوان مبنای مطالعات آینده و توسعه سیاست‌های محلی برای افزایش عدالت اجتماعی و تحقق حقوق شهروندی مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع:

احترامی، خدیجه (۱۴۰۲) بررسی رابطه ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی شهرداری بندرعباس با ارتقا سطح آگاهی از حقوق شهروندی، روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی، پاییز ۱۴۰۲، دوره هفتم، شماره ۳، صفحه ۶۸ تا ۷۱.

- احمدی، یعقوب، علی‌پور، پروین (۱۳۹۷) بررسی مولفه‌های فرهنگی اجتماعی و فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان سنندج)، راهبرد اجتماعی فرهنگی، بهار ۱۳۹۷، شماره ۲۶، صفحه ۲۵۲-۲۲۷.
- اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۱)، جهانی شدن و سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایرانی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ارجمند سیاه‌پوش، اسحق، مقدس جعفری، محمدحسن و فریغلائی، م. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شوش دانیال»، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره ۲، صفحه ۷-۲۰.
- آرون ریمون (۱۳۸۴)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، مترجم: باقر پرهام، چاپ هفتم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- اسکافی، مریم (۱۳۸۶). «بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد»، علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال چهارم، شماره ۱، ص ۱-۳۲.
- امیرآباد، محمدالهی؛ رشیدی زاده، افسانه؛ احمدی، سیروس (۱۳۹۸) آیا اعتماد اجتماعی باعث افزایش پایداری به تکالیف شهروندی می‌شود؟، آفاق علوم انسانی، بهمن ۱۳۹۸، شماره ۳۴، صفحه ۴۷ تا ۶۰.
- باقری‌بنجار، عبدالرضا، مرجانی، سجاد (۱۳۹۶) تحلیل رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با توسعه اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان شهر رشت)، دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۱-۲۵.
- بخارایی، احمد، شربتیان محمدحسن، احمدی، اعظم (۱۳۹۴) تحلیل رابطه جامعه شناختی سبک زندگی و گرایش به حقوق شهروندی (مطالعه موردی دانشجویان پیام نور خراسان جنوبی)، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۹۴، صفحه ۸۷-۱۰۸.
- بهرامی، ولی، نیازی، محسن، سهراب زاده، مهران. (۱۳۹۸). بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان استان لرستان). برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۰ (۳۸)، صفحه ۳۵-۷۴.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پورعزت، ع؛ قلی‌پور، آ. و باغستانی‌برزکی، ح. (۱۳۸۹). «رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمان‌ها»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۱۰، ش ۳۸، صفحه ۴۱-۷.
- ترکمن، سوسن (۱۳۹۷) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی زنان از حقوق شهروندی (مطالعه موردی: زنان بالای ۲۰ سال شهر ری)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین پیشوا.
- توسلی، غلامعباس و سید محمود نجاتی حسینی، (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، سال ۵، شماره ۲، صص ۶۲-۳۲.
- ثابت سعیدی، ارسلان (۱۳۸۶). حقوق اساسی، چاپ بیست و دوم، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- جعفری، فیروز، منوچهری، عباس (۱۳۹۳) تأثیر جهانی شدن بر حقوق شهروندی در ایران، پژوهش سیاست نظری، ۱۶، (۹)، صفحه ۱-۱۰.
- حاج‌زاده، مصطفی و منصوری، اعظم (۱۳۹۲) سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره ۱۲، صفحه ۵۷-۷۶.

- Bellamy, Richard, (۲۰۰۸) 'Rights and the 'right to have rights'', Citizenship: A Very Short Introduction, Very Short Introductions (Oxford, ۲۰۰۸; online edn, Oxford Academic, ۲۴ Sept. ۲۰۱۳).
- Brown, A. & Kristiansen, A. (۲۰۰۹) Urban Politics & the right to the city: rights. responsibilities and citizenship, Habitat, Denmark, UNESCO.
- Burbach, R. (۲۰۰۹) Globalization and its discontents: The rise of postmodern socialism, London: Pluto, PP: ۱۴-۱۵.
- Chacko, Elizabeth . Price, Marie, (۲۰۲۴) Coalitions of care: Strategies for expanding substantive urban citizenship in U.S cities during the COVID-۱۹ pandemic, Cities, Volume ۱۵۲, September ۲۰۲۴, ۱۰۵۲۱۰.
- Coffe, Hild& Van der Lippe, Tanja (۲۰۰۹), Citizenship norms in Eastern Europe, Springer.
- De.La.Paz, Gabriel.(n.d).(۲۰۰۵) Citizenship Identity and Social Inequality. ۶, Septembr, ۲۰۰۵, from <http://www.civnet.org/pdfs/delaPazGabriel.pdf>.
- Deshmukh, Cmde, SL NM (۲۰۲۱) Inter-relationship between Citizenship and Globalization: An India Specific Analysis, Electronic Journal of Social and Strategic Studies, Volume ۲, Special Issue III, May ۲۰۲۱, page ۵۴-۸۲.
- Ezmerli, Sonja (۲۰۱۰) Social capital and norms of citizenship: an ambiguous relationship? American Behavioural Scientist, ۵۳, ۶۵۷, London: Sage.
- Farrell.m, Gatherine. (۲۰۰۰). Citizen Participation in Governance. money and management .march, ۳۱-۳۷.